

سال دوم دوره دوم

رنجبر

ارگان حزب رنجبران ایران

سه شنبه ۱۵ تیر ماه ۵۹ شماره ۲۳۰ تکمات ۹۰ ریال

اتحاد بزرگ ملی عالمترین شکل وحدت نیروهای پیرو خط امام است

اوضاع جاری کشور ومشکلات متعددی که در ادامه حرکت انقلاب به جلو، سد شده اند، لزوم ارائه راه حل‌های اساسی برای چیره شدن بر هرج و مرج راضوری نموده اند. اکنون دیگر باتوجه به تجارب مثبت و منفی ۱۶ ماهه پس از پیروزی انقلاب روشن شده است که کلید حل مشکلات در وحدت واتحاد نهفته است. اکنون پس از روشن شدن لزوم وحدت واتحاد نیروهای استقلال طلب بمثابة ضرورت درجه اول انقلاب، بحث برسر کیفیت و چگونگی این وحدت بالاگرفته است.

اکنون در تبلیغات نیروهای سیاسی مختلف، فرمولبندی‌های متنوعی برای طرح مسئله وحدت مطرح شده است که اساسا بیانگر دیدگاه‌های مختلف در ارتباط با این مسئله است. از آن جمله است مقوله "وحدت نیروهای پیرو خط امام" که اخیرا مطرح شده و در قطعنامه راه‌پیمایی روز جمعه نیز بر آن تاکید شده بود. پیروی از خط امام و وحدت بر اساس آن هنگامیکه بطور عام مطرح میگردد البته امر درستی است و مورد پشتیبانی کلیه نیروهای استقلال طلب واتقلابی میباشد. منتهی بحث

برسرتفسیر از خط امام است. مادر ماههای اخیر شاهد تفسیرهای متفاوت وگاهی متضاد از این مقوله بوده‌ایم وحتی دیده‌ایم که چگونه به اصطلاح "پیروی از خط امام" به سبب برای عده‌ای فرصت طلب تبدیل شده است تا در پناه آن مراکز خودگامه قدرت گروهی خود را تحکیم بخشد. بنابراین هنگامیکه خواست "اتحاد بیشتر نیروهای پیرو خط امام" وتشکل هرچه بیشتر آنها برای مقابله بانیروهای مخالف این خط" مطرح بنماید در صفحه ۲

امام خمینی علیه تعرض به زنان بی حجاب

بدنبال طرح مسئله حجاب اسلامی و پوشش مناسب برای زنان و بخصوص زنان کارمند، مزاحمت‌ها و تعرضاتی توسط عده‌ای از افراد نا آگاه و یا مغرض و تحریک شده نسبت به زنان مشاهده شده است. امام خمینی در این مورد دستوری بفرمایند شرح صادر کرده اند:

ممكن است تعرض به زن ها در خیابان و کوجه و بازار از ناحیه منحرفین و مخالفین انقلاب باشد. از این جهت کسی حق تعرض ندارد و این گونه دخالت ها برای مسلمان ها حرام است و باید پلیس و کمیته‌ها از اینگونه جریانات جدا جلوگیری کنند.

بیر سلیم معاون سیاسی وزارت کشور و سرپرست شهربانی بند در متحد ۲

اعلامیه کارگران اخراجی "یرش مارین" بوشهر

ما تصمیم داریم مقابل این بیعدالتی‌ها پیگیرانه مبارزه کنیم

هیولای اخراج و بیبکاری هر روز قربانیان جدیدی میگرد و قوانین کار

مبارزه ضد امپریالیستی را فراموش

مبارزه بوسر حجاب، پاکسازی و... نباید به تضعیف مبارزه ضد امپریالیستی

نگنیم

منجر شود

فعالیت خود در زمینه تحریم اقتصادی ایران و پس از شکست اقدام نظامی طیس، درصدد است تا عنقریب طرح توطئه جدیدی را علیه ایران پیاده کند. برطبق اظهارات رئیس جمهور، شایعه فرار سرلشکر قربانی، فرمانده سابق نیروی هوایی در خدمت آماده کردن جو عمومی برای چنین توطئه‌ای بوده است. (روزنامه انقلاب اسلامی - ۱۲ تیر) باز هم برطبق اظهارات رئیس جمهور، تاکنون چند شبکه توطئه بختیار توسط مقامات جمهوری اسلامی کشف و متلاشی شده است و چند نفری هم در این ارتباط اعدام شده‌اند.

مبارزه ضد امپریالیستی بویژه علیه دوا بر قدرت، آمریکا و روسیه، و عمال آنها صحنه اصلی جنگ ملت ایران است. این حقیقتی است که ملت ما در طول ماهها مبارزه انقلابی خود، قبل و پس از پیروزی انقلاب اسلامی بخوبی دریافته است. در شرایط کنونی، ضرورت این مبارزه روز بروز بیشتر میشود، زیرا دو ابر قدرت و عمال آنها به تحریکات و توطئه‌های خود روز بروز بیشتر دامن میزنند. اخبار و وقایع متعدد روزمره، این هشدار را با تاکید بیشتری طرح میکند:

توطئه‌های آمریکا و عمالش بر طبق اظهارات مقامات مسئول، بخصوص رئیس جمهور امپریالیسم آمریکا، پس از شکست

فعالانه به کار اید نولوژیک
در میان مردم بپردازیم

مصاحبه با کارگران نساجی شاهی
بیاد مبارزه خونین کارگران قهرمان
نساجی قائم شهر (شاهی سابق)
در صفحه ۲

مصاحبه وزیر امور خارجه با خبرنگار اطلاعات باید سایر کشورها به افغانستان کمک کنند تاقشون اشغالگر را از کشورشان بیرون بیاورند

مکویند پاکستان وابسته به غرب است. این اتهام که کلا جنبه تبلیغاتی دارد بسیار ناجوانمردانه و در سوئیس، در گفتگویی با

مادق قطب زاده وزیر امور خارجه کشورمان پس از تشکیل کمیته کنفرانس اسلامی افغانستان در سوئیس، در گفتگویی با

مکویند پاکستان وابسته به غرب است. این اتهام که کلا جنبه تبلیغاتی دارد بسیار ناجوانمردانه و در سوئیس، در گفتگویی با

مادرین یکسال و نیم نتوانستند مردم بیاخته‌ها را از دام انقلاب نجات دهند. دوست و دشمن انقلاب را بر اساس واقعیت بدرستی معین کنند، در اوضاع بر تلاطم جهانی همچون سکانداری راستین انقلاب استقلال طلبانه مارا به جلو هدایت نمایند.

رهبرانقلاب امام خمینی در هفته گذشته به این واقعیت صحنه گذاشت و گفت: آنطور که باید و میخواستیم انقلاب به جلوتر رفته است. امام خمینی حرفی رازدگانه ماهها بود مردم کوچه و بازار نجوای کردند و اهمیت حرف امام در این بود که امام آنرا بر زبان آورد.

گفته‌های امام بازتابی وسیع و جهانی بخود گرفت و دسته‌های سیاسی در داخل کشور طبق برنامه‌ی سیاسی خود کوشیدند برداشت‌هایی بسود خود نمایند و مادر هفته گذشته ناظر حرکت‌های جدیدی شدیم که از میان آنها حرکت "اسلامی کردن" انقلاب اسلامی بیشتر از همه به چشم میخورد.

جدال جناح‌های حاکم، ادامه‌هرج و مرج، رواج شایعه پراکنی و زور گوئی، عدم بهبود وضع زندگی مردم زحمتکش، عدم وجود امنیت و تأمین سیاسی و اجتماعی، ایجاد هرج و مرج فکری در باره‌ی اساسی‌ترین مسائل انقلاب، تهمت و افترا به شخصیت‌های مؤثر در انقلاب اسلامی است که این وضع را بوجود آورده و در نتیجه روحیه سستی و بدبینی تدریجا پایه گرفته است.

وظیفه ماست که در چنین اوضاعی علیه روحیه سستی و بدبینی مبارزه کنیم و در این زمینه به کار فعال ایدئولوژیک در میان مردم بپردازیم.

چند مسئله را باید در توضیح وضع در نظر بگیریم:

اولاً "روئی جنبه‌های مثبت اوضاع انگشت بگذاریم. پدیده‌ها دوگانگانند امروزه که یک حرکت بدبینانه در جامعه پدید آمده اغلب مردم روی جنبه‌های منفی انگشت می‌گذارند ما باید جنبه‌های مثبت را هم بازگو کنیم. از میان جنبه‌های مثبت باید تاءکید را روی خود مردم، مردم فداکار و با عقل و توانای کشورمان که انقلاب شکوهمندی را به پیروزی رساندند بگذاریم و با آنها بگوئیم که آنها هستند که می‌توانند و باید سرنوشت آمان انقلاب را تعیین کنند.

ثانیاً "باید نشان دهیم که این اوضاع موقتی است و انقلاب مامسیر خود را زیر پرچم روشن نه شرقی نه غربی طی خواهد کرد. توضیح دهیم که مردم استقلال طلب ماهر روز دارند بیشتر و بیشتر به وضع مشکلات بی‌می برنند و در دعوی موجود جناح‌ها آگاهانه تر دخالت می‌کنند. این شتاب بزرگ آگاهی یافتن مردم حکایت از اوضاع خوب دارد، چرا که توده‌ی آگاهانین وضع را تغییر خواهد داد و آگاهی که ناآگاهانه به راه نادرست گام برداشته‌اند مجدداً به راه درست هدایت خواهد کرد.

ثانیاً "مشئ صحیح انقلاب که همانا ایجاد اتحاد محکمی از اقشار و طبقات مختلف، از ملیت‌های مختلف، از جریانات استقلال طلب مختلف اسلامی، ملی و سوسیالیستی، از صاحبان ادیان مختلف و... به رهبری امام خمینی است که پیروزی انقلاب ما را ضمانت کرد مجدداً "دارد بعنوان تنها راه نجات توسط توده‌های مردم گرفته میشود. اکثریت مردم از تفرقه، از چنددستگی از معیارهای جداکننده ناراحتند و فریاد وحدت طلبانه خود را بگوش حاکمین میرسانند.

ثالثاً "وجود امام خمینی و وجود مشی استقلال طلبانه حاکمین، وجود سیاستمدارانی در میان حاکمین که روبه توده، روبه وحدت و روبه واقعیت دارند عامل دیگری است بر اینکه انقلاب بر مشکلات خود فائق خواهد آمد.

بر ماست که بر فعالیت خود در میان توده‌ها بیفزائیم، بر ماست که تماماً و کاملاً "خود را وقف آگاهی بخشیدن به مردم و کمک به متشکل شدن آنها نمائیم بر ماست که توده‌های مردم را به وضع بخرنج انقلاب آشنا نموده و همراه آنها خود را برای هرگونه حادثه‌ای آماده سازیم. آمادگی در برابر حوادث ناگوار همیشه خوبست - آمادگی همیشه یک نکته‌ی مثبت محسوب میشود چنانچه ما برای هرگونه وضعی آماده باشیم چیزی را از دست نمیدهم.

بر ماست که فعلاً به کار ایدئولوژیک در میان مردم بپردازیم با هرگونه روحیه‌ی سستی مبارزه کنیم، روحیه جرات به مبارزه را در ادامه انقلاب تقویت بخشیم و با تمام قدرت همراه توده‌ها از تغییر مسیر انقلاب و ازسیر قهقرائی آن جلوگیری کنیم.

درگیری بخاطر زمین

در صفحه ۲

نامه سرگشاده گروهی از کارگران کارخانه سیمان نکا

در صفحه ۳

وی در زمینه‌های مختلف پاسخ داد.

قطب زاده در مورد نتایج و اثرات این کنفرانس گفت: "موفقیت یا عدم موفقیت کنفرانس در رابطه با اهدافی است که ما برای آن داشته‌ایم نه در رابطه با اهداف دیگران. اهدافی که ما برای این کنفرانس داشتیم اهدافی محدود بود. قصد ما آن بود که نهضت مقاومت افغانستان بعنوان یک واحد بطور رسمی و علنی پذیرفته شود که این هدف اصلی ما بود که شد."

وی در جواب سؤال مربوط به اختلاف سیاست خارجی ایران و پاکستان و نظرات پاره‌ای از کشورها مبنی بر وابسته بودن پاکستان و پیروی آن از غرب، گفت: "باید دید موضعگیری‌های بین‌المللی پاکستان تاکنون به چه شکل بوده؟ و در چهارچوبی بوده؟ چه موضوع - گیری‌هایی را بِنفع آمریکا کرده؟ و چرا پاکستان نوکر آمریکا است؟ یک دلیل قانع کننده تاکنون کسی برای اثبات این مسئله فقط شعار داده‌اند اینست دلیل این است که سیستم تبلیغاتی کمونیستی آنقدر شعار میدهد تا باور افراد شود و دیگر احتیاجی به دلیل نباشد. بیا بیا دلایل را روشن کنند. بطور مثال پاکستان زیر فشار شدید آمریکا قرار داشت و هنوز هم قرار دارد که جریبان ایجاد راکتورهای اتمی خود را با آمریکا متوقف کند تا قدرت اتمی نشود و تاکنون مقاومت کرده است.

پاکستان در همین گذشته نزدیک مبلغ ۲۰۰ میلیون دلار پول اسلحه آمریکا را رد کرد، با آنکه پاکستان کشوری است بی‌نیاز به اسلحه و نظر اقتصادی و نظامی زیر فشار شدید همسایه‌ها پیش قرار دارد. هندوستان با روسیه شوروی روابط دوستانه نزدیک دارد. پاکستان که نمیتواند این روابط را با شوروی داشته باشد بنا بر این

اینقدر فشار تبلیغاتی را زیاد کرده‌اند؟ برای اینکه در اول میخواهند بهر نحو که شده این کنفرانس اسلامی سرنگیرد حالا که گرفت و عمل کرد و تمام دنیا متوجه آن شد برای اینکه دوباره مسئله افغانستان را داغون کنند پای پیچ پاکستان شده‌اند. بهمین دلیل شما نیز بعنوان یک خبرنگار چون این سؤال خیلی مطرح است آن را مطرح میکنید. از طرفی اگر پاکستان نباشد چه

مجاهدین افغانی با زنده‌سند در شانی، اگر همکاری با کشورها نیکه سیاست‌های متفاوتی دارند قطع شود که ما باید با چه کشوری در دنیا ارتباط داشته باشیم؟ لطف کنند و بگویند اگر وقت کنید می‌بینید که تمام اینها دروغ‌هایی است که میگویند برای آنکه کشور ما را در دنیا منفرد کنند."

آقای قطب زاده در جواب سؤال خبرنگار اطلاعات که چند در صفحه ۲

در حاشیه مصاحبه دکتر پیمان با تاس از انقلابیگری کاذب تا مشاطه‌گری روسیه

آن عمل می‌کنند و میروند تا علیه آن پیمان‌های تازه‌ای ببندند. اما با چه کسانی؟

ما همواره طی مقالات متعددی روشن ساختیم روسیه تجاوزگر بعد از اشغال افغانستان نقشه سلطه بر ایران را می‌کشد و تمام اهرم‌های خود را به کار انداخته تا شرایط تجاوز به استقلال ایران را بهر قیمت فراهم سازد. یکی از ابزار مهم این تجاوز جبهه‌ایست متشکل از سرسپرده‌ترین نوکران روسیه در ایران، همانند باند کیانوری، بعلاوه چپ‌نماها و مسلمان‌نماها. طرح تشکیل این جبهه را باند کیانوری بطور علنی در نشریات خود طرح کرده، برای آن شعار انتخاب نموده و بطور آشکار در پی ایجاد آن است.

با انشعابات اخیر و برخی موضعگیری‌های گروه‌ها، جریان ایجاد جبهه مذکور که از نظر ما چیزی بجز جبهه متحد انقیاد روسی نیست، جنبه‌های عملی و تشکیلاتی بخود گرفت. ما بارها هشدار داده‌ایم که دست‌اندرکاران این توطئه تنها به فعالیت در میان گروه‌های چپ‌اکتفا نخواهند کرد و بطور حساب شده‌ای در پی جلب جناح‌هایی از جنبش اسلامی هستند تا به این جبهه‌خائنه رنگ و لعاب اسلامی نیز بزنند.

جریان انقلابیگری کاذب مسلمان‌نماها یکی از بهترین زمینه‌های فعالیت برای جاسوسان روسیه و چند در صفحه ۲

اخیرا خبرنگاری تاس با حبیب‌الله پیمان مصاحبه کرده، مصاحبه از رادیو مسکو پخش شد و بلافاصله جای ویژه خود را در روس نام "مردم ارگان باند کیانوری در حزب توده یافت.

چه شده و در این مصاحبه چه گفته شده که این چنین مورد لطف دستگاه‌های تبلیغاتی سوسیال امپریالیسم روسیه قرار گرفته است؟ مگر پیمان مدعی رهبری "جنبش مسلمانان مبارز" نیست؟ مگر مسلمانان مبارز تابع شعار نه شرقی نه غربی نیستند؟ پس چرا اکنون سخنان پیمان نقل مجالس شرق تجاوزگر و نوکرانش شده و دهان به دهان می‌گردد و به نیکی از آن یاد می‌شود؟

واقعیت اینست که در صفوف جنبش اسلامی هستند کسانی کهوجه مشترکی با جریان اجتماعی اسیل و استقلال طلبانه اسلام مبارز ندارند. اگر اسلام مبارز، همانگونه که امام خمینی اعلام نموده است با غرب چنانستگار و شرق تجاوزگر، این دو ابرقدرت سلطه طلب جهان کنونی به مقابله برخاسته و علیه هر دوی آنان، فرمان نبرد و جهاد داده است، و اگر ملت ایران یک پارچه بیاخته و شعار نه شرقی نه غربی را برچم پیکار تاریخساز خود قرار داده است، افرادی چون پیمان، این پیمان استقلال طلبانه را قبول ندارند و علیه این جبهه ضد سلطه و علیه شعار پیروزمند و پیروزی آور

بازت مانده است، کارگران را بکام فقروسیه روزی میکند. تعطیل مراکز صنعتی و تولیدی و اخراج و بیکاری کارگران نه تنها ادامه دارد، بلکه ابعاد وسیع‌تر و خطرناک‌تر مییابد و اخراج دسته جمعی کارگران شرکت "پرشن مارین" بوشهر که با توسل به ماده ۳۳ قانون کار انجام گرفته است، یکی از این نمونه‌های شوم است.

حزب رنجبران ایران (بخش بوشهر) طی اعلامیه‌ای که در رنجبر شماره ۶۴ نیز چاپ رسید، از خواست‌های بحق کارگران اخراجی "پرشن مارین" پشتیبانی نموده و نسبت به این توطئه و تعطیل این شرکت، هشدار داده است. اینک بعد از گذشت چند هفته، فریاد حق طلبانه کارگران بجایی نرسیده است و حتی از ورود آنان به محل کار خود نیز جلوگیری میشود. اعلامیه‌ای را که در زیر میخوانید از طرف کارگران انتشار یافته و طی آن خواهان رسیدگی هرچه سریعتر به خواستهای بحق خود شده و درباره سوءاستفاده عوامل دوا بر قدرت از درخواستهای مطالباتی زحمتکشان، هشدار داده‌اند.

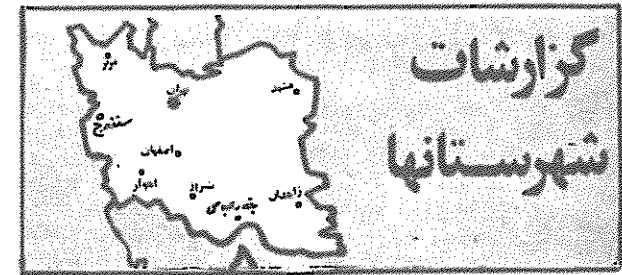
بوشهر - ۱۳ تیر - کارگران اخراجی "پرشن مارین" بوشهر طی اعلامیه‌ای خواستار رسیدگی دولت به وضع شان شدند. در این اعلامیه آمده است:

بصه در صفحه ۲

شمس برهان نا جوانمردانه ترور شد

طبق اخبار صبح روز جمعه ۱۳/۴/۵۹ صلاح شمس برهان مسئول پیشبران زحمتکشان و عضو اتحادیه کمونیستها ترور شد. ترور کنندگان گویا از دارو دسته علی قاضی پسر قاضی محمد است (معروف به کوره رهش "پسر سیاه") که از وابستگان به رژیم شاه و ساواک میباشند. احتمال اینکه ترور بوسیله عوامل روس انجام گرفته باشد نیز هست.

ما این ترور نا جوانمردانه را محکوم کرده، آنرا جنایتی از جانب دشمنان خلق کرد و علیه خلقهای ایران میدانیم.



سیل در میانه

میانه - ۹ تیر بر اثر بارندگی شدید ۳ ساعته که از ساعت ۶ بعد از ظهر روز پنجشنبه ۵۹/۳/۵ بوقوع پیوست، سیل سنگینی در خیابانها و کوچه های شهر میانه جاری شد که بدنبال آن بیش از ۵ نفر جان خود را از دست دادند و حدود ۴۰ خانه ویران شد. چهار نفر از کشته شدگان از یک خانواده و نفر پنجم یک کودک خردسال میباشد. همچنین بر اثر بارش شدید تگرگ و باران و جاری شدن سیل، اکثر محصولات کشاورزی از بین رفته است و خسارات شدیدی بر آنها وارد گشته است. بهمین منظور کشاورزان در روز دوشنبه ۵۹/۳/۷ در فرمانداری شهر اجتماع کرده و خواستار رسیدگی و کمک دولت به وضع خود شدند. در این رابطه استاندار آذربایجان شرقی نیز ضمن باز دیداز مناطق سیل زده، دستوراتی جهت رفاه آنان صادر نمود.

از همان ساعات اول هواداران "حزب رنجبران ایران" به کمک مردم سیل زده شتافتند و کارهایی از قبیل: باز نمودن دهانه کانالها که در اثر سیل مسدود شده بودند، سد بندی در جلوی آب که به کوچه ها وارد میشد، گذراندن زنان و مردان پیر از میان سیل، خالی کردن آب خانههایی که آب داخل آنها شده بود... انجام دادند.

در ارتباط با وظایف مسئولین امر، لازم به تذکر است که آنها باید: هرچه زودتر به نیازها و احتیاجات مردم سیل زده پاسخ گفته و آنان را از این وضع اسفناک رهایی دهند. بطوریکه یکی از زحمتکشان که خانه اش در اثر سیل خراب شده بود میگفت: "آخر ما تاکی شاهد خواهیم بود که با هراتقایی زحمتکشان میهنمان دچار نابسامانی شوند. مردمی که حاصل و دست رنج و کار و کوشش در عرض چندین سال یک اطاق گاهگلی است و آنهم بایک بارش بر سرش خراب میشود. تاکی مسئله مسکن زحمتکشان در حد یک شعار باقی خواهد ماند؟"

مسئولین دولتی باید هرچه زودتر به این وضع خاتمه دهند. به کشاورزانی که محصولاتشان را از دست داده اند وام بدهند تا مخرج زندگیشان را تامین کنند و برای کاشت سال آینده دچار مضیقه نگردند.



بقیه مبارزه ضد امپریالیستی ... از صفحه اول

از جانب دیگر، توطئه ها و تحریکات ابرقدرت شوروی و شمال آنها نیز افزایش یافته است: * توطئه های روسیه و عمالش دستگیری دبیر اول سفارت شوروی در ایران در حین ردوبدل کردن اسناد مربوط به جمهوری اسلامی ایران، برده از روی تشدید فعالیتهای جاسوسی روسها در ایران برمیدارد، فعالیتهائی که مسلماً به دبیر اول سفارت روس و سفارت روس محدود نمی شود.

بر طبق اطلاعاتی که وزیر امور خارجه ایران، صادق طباطبائی زاده، در کنفرانس مطبوعاتی روز چهارشنبه گذشته خود فاش ساخت، نورالدین کیانوری، دبیر اول حزب توده ایران، اخیراً با تفاق دوتن از افسران حزب توده و چند نفر از دانشجویان عضو حزب توده در خارج از کشور به ملاقات سران شوروی (برژنف و کاسیگین و گرومیکو) رفته است تا در مورد طرحهای روسی و نقش عمال روسیه در اجرای این طرحها در ایران مذاکره کنند. از این خبر چنین بر می آید که ملاقات مذکور حالتی فوق العاده داشته از ملاقاتهای عادی و منظم میان روسها و عملشان در ایران پیشرفته تر بوده است.

در افغانستان، روسیه، علیرغم عوام فریبی های خود در مورد باصطلاح خارج ساختن بخشی از قوای نظامی خود از این کشور، گلیه ناظران جهان بر این اعتقادند که قوای تازه فیسوارد خاک افغانستان میشوند و روسیه به ایجاد تاسیسات جدید نظامی و ساختمانی (پل و غیره) جهت گسترش و تقویت تجاوز نظامی خود همت گماشته است. بدیهی است که این امر خطر تجاوز روسیه را به ایران تشدید میکند.

در چنین شرایطی، که میهن ما مستقیماً در معرض تهدید تجاوز دو ابرقدرت و عملشان قرار دارد، مهم ترین وظیفه ما پیشبرد و تقویت مبارزه ضد امپریالیستی در تمام ابعاد آن بخصوص در زمینه آمادگی برای مقابله با تجاوز خارجی است. بخش دیگری از وظایف ضد امپریالیستی که اساس کار را هم تشکیل میدهد، طرح ریزی و اجرای برنامه های همه جانبه اقتصادی برای پایان بخشیدن به سلطه امپریالیسم بخصوص آمریکا در زمینه های اقتصادی است. در عین حال، با تامین خودکفائی باید زمینه نفوذ و سلطه ابرقدرت روس را نیز از میان برداشت.

بخش دیگری از وظایف به

مسئله زن نیز یکی دیگر از این وظایف است. در این زمینه ها البته مسائل ریز و درشت فراوانی موجود هستند که باید به درجه اهمیت نسبت به آنها اقدام شود.

آنچه که امروز در زمینه های پاکسازی و حجاب و غیره صورت میگردد، تا آنجا که به عناصر و نیروهای صادق مربوط میشود، از خواست و نیت مبارزه ضد امپریالیستی نشأت میگیرد. لکن نحوه برخورد به این وظایف و شیوه حل آنها بسیار مهم و حتی مهمتر از خود طرح وظایف است.

شناختن و بی برنامه گی، برداختن به ظواهر بجای حمله به ریشه ها، عدم تمایز گذاری چه در برخورد به کارمندان ادارات، چه در برخورد به زنان، عدم توضیح کافی مسائل برای مردم، عدم توجه کافی به کار اقناعی و توضیحی و یا توضیح پس از براه انداختن حرکت که مانند نوداروی پس از مرگ سهراب عمل میکند، ارجحیت قائل شدن برای اعمال زور بجای اعمال عقیده و کار توضیحی... و دیگر شیوه های نادرست از این قبیل، باعث هرج و مرج میشود. در نتیجه نه تنها عناصر صادق به هدف و منظور خود - که مبارزه با مظاهر فرهنگ استعماری است - نمی رسند، بلکه زمینه برای ایجاد ناراضی، سوء تفاهم و بغض و کینه در میان مردم آماده میشود.

پیدا است که تنها ضد انقلاب داخلی و خارجی میتوانند از این زمینه به سود خود بهره برداری کنند. این امر بخصوص در مسئله حجاب مشهود بوده است.

مسئولین باید از روی برنامه، با توضیح کافی و یکی پس از دیگری مسائل را حل کرده و از سر راه بردارند. حال آنکه ما شاهد آنیم که در عرض دوسه هفته اخیر مسائل بزرگ و کوچک یکی پس از دیگری روی میز ریخته شده و هیچکدام هم جواب نیافته و به نتیجه منتهی نشده است (از مسئله انقلاب فرهنگی گرفته تا برخورد به نوار فروشها، به دکها، به سینماها، به ادارات، به زنان، به سازمانهای سیاسی...).

باید این حرکتهای عکس - العملی را کنار گذاشت و منطقی و سنجیده حرکت کرد. باید پیوسته در نظر داشت که صحنه اصلی جنگ ملت ما صحنه مبارزه ضد امپریالیستی بخصوص علیه دو ابرقدرت است و سایر مبارزات نباید بر روی این مبارزه اصلی سایه انداخته و بدتر از آن، آنرا تضعیف نماید.

نصه ها، انقلاب و صاعده نصه

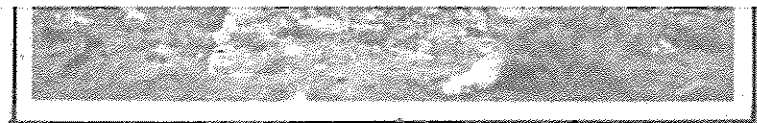
بقیه مصاحبه وزیر امور خارجه... از صفحه اول

برسید، بهر جهت از سالهای گذشته روابط دو کشور - هندوستان و پاکستان - دلیل اختلافاتی که با یکدیگر دارند باعث شده که هر کدام بیک ابرقدرت تمایل و نزدیکی بیشتری داشته باشند و با در نظر گرفتن اختلافات چین و هندوستان و رابطه نزدیکی اخیر چین با آمریکا که به عقیده گروهی برای مبارزه با ابرقدرت دیگر یعنی شوروی میباید، آیا فکر نمی کنید که بررسی این مجموعه روابط، این توهم را بیشتر تشدید کند که نقش پاکستان در این کنفرانس یک نقش جداگانه ای هم میباشد، برای مبارزه با هندوستان و ابرقدرت شوروی؟

گفت: "اولاً نزدیکی پاکستان به آمریکا در حد نزدیکی هندوستان به ابرقدرت شوروی نیست، از طرفی به نظر من این برداشت درست نیست چون هندوستان نیز موضع اصلی شان است که شوروی باید از افغانستان خارج شود، منتهی در مورد روش یک مقدار حرفها شنیده است. مثلاً میگویند باید با شوروی و ببرک کارمل مذاکره شود. ولی در اصل قضیه که خروج شوروی از افغانستان است نظر هندوستان نیز همین است. اما در مورد مسئله چین باید گفت، چین کشور بیست مستقل و دومیلیون قشون شوروی امروز در مرزهای چین متمرکز هستند بنا مدرنترین سلاحها و هردوسال یکبار هم حرکتهایشان را مدرنتر میکنند. در نتیجه چین از جانب شوروی احساس خطر جدی میکند و طبیعتاً موضع ضد شوروی دارد. حتی در بعضی از موارد عکس العملی عیناً روسها نیز در مقابل همین سیاست عکس العملی را دارند ولی البته

خود افغانها نیستند. بلکه نیروهای خارجی هستند که در آنجا حکومت میکنند. عدم مداخله در موقعی مطرح است که مردم کشوری خودشان حکومتی را انتخاب کرده باشند و کشوردیگری بخواهد کرده اند براندازد. ولی وقتی که علناً و رسماً نیروهای خارجی بجائی وارد میشوند و عمل میکنند دیگر مسئله دخالت در امور داخلی مطرح نیست مثل "فرمی که در ویتنام و یا فلسطین بوجود آمد" که ما بگوئیم نباید به نهضت مقاومت فلسطین کمک کنیم و یا حکومت اسرائیل را به رسمیت نشناسیم... تا قشون اشغالگر شوروی در آنجا وجود دارد عدم دخالت معنای خاصی ندارد و باید سایر کشورها به افغانستان کمک کنند تا قشون اشغالگر را از کشورشان بیرون بیا نندازند. چون یکطرف قضیه یعنی روسیه شوروی موازین و قوانین بین المللی را نقض کرده. دیگر در اینجا مسئله قوانین بین المللی مطرح نیست.

وزیر خارجه کشورمان به این سؤال خبرنگار نیز که: "اولاً آینده سیاسی و اقتصادی کشورمان را چگونه می بینید و ثانیاً با در نظر گرفتن شرایط دشوار اقتصادی کشورمان این انزوا طلبی را به چه حد صحیح میدانید و آیا این فاصله گیری همزمان با دوا بر قدرت شرق و غرب ایران را بیک وضعیت خطرناک اقتصادی دچار نخواهد کرد؟" پاسخ داد: "انزوا طلبی کشور ما کاملاً خطرناک است. ولی انزوا را ما بهتر از آن است که از دامان ابرقدرتی بدر آئیم و بدامان ابرقدرت دیگری بیافتیم، کاری که متأسفانه عده ای مشغول انجام آن هستند ما دائم در تلاش هستیم که راهی برای خروج از این انزوا پیدا



سخنرانی حزب رنجبران ایران در رشت

رشت - از طرف حزب رنجبران ایران بخش گیلان دوسخنرانی در روزهای سه شنبه و چهارشنبه ۱۰ و ۱۱ تیر در رشت برگزار گردید. سخنرانی اول تحت عنوان "سیر انحطاط چریکها و خطر توطئه روس علیه خلق و علیه کمونیستهای انقلابی" و سخنرانی دوم تحت عنوان "اوضاع بحرانی کنونی و اتحاد بزرگ ملی" با استقبال مسرمد شهر مواجه گشت.

برای برگزاری این سخنرانی ها حدود ۴۰۰۰ روزنامه دیواری و اعلامیه های دعوت در شهر چسبانده و پخش گردید.

نیروهای گوناگون سیاسی (مذهبی و غیر مذهبی) در این سخنرانیها شرکت کردند و با سوالات خود به جویبار هم و خلافتیت جلسه افزودند.

بقیه اعلامیه کارگران اخراجی...

هم وطنان مبارز این دومین بار است که ما بوسیله اعلامیه خواسته های خود را از نظر شما میگذرانیم. ما کارگران "پوش مارین" بوشهر که سالهاست با شرکت رادرگرهای طاقت فرسا و سرمای جانسوز بدوش کشیده ایم و فعالانه در انقلااب تحت رهبری امام امت خمینی کبیر شرکت کردیم و امیدمان بر این بود که بعد از انقلااب با زهم محکمتر پرچم آشتی ناپذیر انقلااب شکوهمندان را با سایر طبقات خلقی دیگر حمل نمائیم تا محو کامل استثمار انسان از انسان پیش رویم. اما امروز که نزدیک به دو سال از انقلااب میگذرد. هر روز شاهد انقلااب برادران و خواهران خود در گوشه و کنار ایران میباشیم. تا اینکه امروز نوبت به خود ما رسید و چه راحت ما را با جطاق ماده ۳۳ قانون کار بدون هیچ حق و مزایایی میخواهند اخراج کنند. تاکنون اخبارهای زیادی به ما کارگران داده اند که شهادت یگر از حقوق ما هانه محروم هستید و حق آمدن به شرکت را ندارند جریان را یادستان انقلااب اسلامی در میان گذاشته ایم ایشان بر مبنای خواسته های بحق ما دستور عدم اخراج ما را صادر نمودند اما مسئولین شرکت

اجتماعی که به احتمال قوی با هم کنار آمده اند این دستور را ندیده به حساب آورده و کماکان روی اخراج با فشاری میکنند. روی سخن ما با دولت جمهوری اسلامی و به تمام مبارزین استقلال طلب و آزادیخواه و تمام میهن پرستان واقعی میباشد. به ندای حق طلبانه ما گوش فرادهید از خواسته های بحق ما پشتیبانی کنید و با اعتراض خود مانع بیکاری ما شوید. ما کارگران همراه خانواده های خود امیدمان بر این است که دوباره بسرکار خود برگردیم در غیر این صورت همانطور که از عنوان این اعلامیه برمیآید تصمیم داریم جدا در مقابل این بیعدالتیها پیگیرانه مبارزه و مقاومت کنیم. هیچ مقامی نمیتواند ما را از حق حیات خود محروم سازد...

لازم به توضیح است که در اوضاع کنونی دوا بر قدرت جهان خوار آمریکا و شوروی بوسیله عمال خود فروخته شان که از خواسته های مطالباتی ما زحمتکنان میخواهند سوء استفاده کنند. شدیداً اخطار می کنیم که تحت هیچ شرایطی اجازه و رنج ما برای رسیدن به امیال کثیفشان استفاده کنند...

کارگران مسلمان شرکت پرن مارین بوشهر.

امیرالایستی بر میگردد. این وظایف نیز بسیار مهم و حیاتی بوده و باید بدرستی به پیش برده شوند. مبارزه با بوروکراسی اداری و پاکسازی و تصفیه ادارات از عناصر بازمانده از رژیم سابق و وابستگان به آمریکا و روسیه یکی از این وظایف مهم است. مبارزه با ارزشها و معیارهای پوسیده سرمایه داری غربی در برخورد به

بقیه اتحاد بزرگ ملی...

میشود، باید پرسید منظور چیست؟ حداقل دو تفسیر متضاد در این باره موجود است که اعمال هر یک از آنها بشیوه خود تاثیر عظیمی بر جریان ادامه انقلاب اسلامی ایران خواهد داشت.

تفسیر اول تفسیری گروه گرایانه و کوردلانهاست که تنها از منافع گروه کوچکی - و نه از منافع تمام ملت - نشئت گرفته و با غرغ شدن به مناسبات قدرت در اوضاع کنونی، خود را تنها نیروی پیرو خط امام قلمداد میکند. این نظریه از آنجا که در پی کسب انحصاری قدرت است لاجرم نقش دیگر نیروهای سازنده را در حرکت انقلاب به جلو نگی کرده و با برجسب های گوناگون میخواهد آنها را از صحنه بیرون بیاورد در حالیکه در واقع از "خط امام" سیری برای منافع گروهی خود ساخته است. این نظریه نه تنها سوسیالیسم انقلابی را بمتابیه یک نیروی مهم اجتماعی که برای استقلال ایران و ادامه انقلاب مبارزه مینماید نفی میکند، بلکه حتی ملی گرایی مترقی را نیز تخطئه نموده و به لوث میکشد. این شی انحرافی حتی قادر نیست صف اسلام مبارز را بر نکات مثبت و فشرده کند و بجای تاکید بر گروهی و دسته بازی دامن میزند، تمام دست آوردهای انقلاب را تنها بخود منسوب مینماید، خود را نماینده انحصاری خط امام جا میزند و... تا بتواند کلیه اهرمهای قدرت را در دست خود قبضه نماید. این شی نادرست از آغاز پیروزی انقلاب تا کنون ضررهای زیادی به مملکت وارد کرده و اکنون به یکی از اصلی ترین عوامل در هرج و مرج و تشنج و اوضاع تبدیل شده است. ضرر این شی برای انقلاب اسلامی از آنجا ناشی میشود که نه تنها وحدت کلمه که نه تنها وحدت است را عملی نمیسازد، نه تنها وحدت اسلام مبارز و اتحاد بزرگ ملی را با شکست روبرو میسازد، بلکه همچنین بعلت حرکت از منافع گروهی محدود قادر نیست سیاست

عملی دست بردارند و با متانت و خونسردی تمام عمل کنند، از هرگونه تشدید جو تشنج خودداری کنند و سگان مبارزه ضد امیرالایستی علیه دو ابر قدرت را محکم در دست گیرند، و کاری نکنند که ضد انقلاب داخلی و خارجی نتوانند از این جو به سود خود بیشتر از این بهره برداری نمایند.

های درستی مبتنی بر خط امام و شعارهای "نه شرقی، نه غربی" و "استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی" اتخاذ کنند و از اینرو در سیاست خارجی ایران را به انزوای کامل و بدور ماندن از حرکت انقلابی جهان سوم علیه دوا بر قدرت و در سیاست داخلی به ادامه و تشدید هرج و مرج و تشتت و درگیری نیروها و ورود اقتصادی میکشاند. چنین تفسیری از "پیروی از خط امام" یکی انحرافی و برای انقلاب خطرناک است تفسیر دیگر متحد نمودن توده های میلیونی و کلیه جریانات اجتماعی و سیاسی استقلال طلب پر اساس دو شعار "نه شرقی، نه غربی" و "استقلال آزادی جمهوری اسلامی" را مد نظر دارد. این دو شعار که بیان کننده اساسی ترین منافع توده های انقلابی میباشد در جریان انقلاب نقش عظیمی در متحد نمودن مردم و نیروهای سیاسی استقلال طلب ایفا نموده و اکنون نیز با در نظر گرفتن ویژگی های دوره بعد از انقلاب همچنان اساسی ترین عناصر اتحاد بزرگ خلق را دربردارند. حزب رنجبران ایران پشتیبان راستین این شی بوده و از همان آغاز با تحلیل از تجارب مثبت و منفی تاریخی و خصوصیات انقلاب اسلامی ایران پرچم اتحاد بزرگ ملی مشتمل بر سه جریان اجتماعی در میهن ما اسلام مبارز، ملی گرایی مترقی و سوسیالیسم انقلابی را بر اساس سه اصل خلق - استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی - برافراشت. ما بارها گفته ایم و زندگی مکرر در مکرر صحت این گفته ما را به ثبوت رسانیده است که حرکت در راستای دوشعار ذکر شده تنها با اتحاد سه نیروی اجتماعی که ریشه در تاریخ ملت ما داشته و هر یک در طول حیات خود خدمات ارزنده ای در جهت منافع ملی ایران برداشته اند میسر است. سه نیرویی که هم اکنون نیز در عرصه سیاسی کشور حضور داشته و بدرجات مختلف علیه دشمنان مشترک انقلاب ایران فعالند. سه نیرویی که اتحادشان مجموعه خلق را متحد و شکست ناپذیر میسازد و تفرقه شان جز ضعف و تشتت

مشکل افغانستان، پاکستان تا بحال شرافتمندان را بجلو آورده و با تمام مشکلاتی که با آنها مواجه بوده تا کنون مجاهدین - افغانی را فروخته است. ولی اگر خدای نکرده پاکستان داخل بازیهای سیاسی شود و مجاهدین افغانی را بفروشد و با مرزهایش را به نحوی از انحاء ببندد، افغانستان نابود خواهد شد و به همین دلیل میگوییم که آنهایی که امروز پاکستان را میکوبند، در حقیقت خیال دارند که افغانستان را نابود کنند، دانسته یا ندانسته."

بقیه امام خمینی...

کل کشور نیز گفت متعرضان به زنان دستگیر و مجازات می شوند. سال قبل نیز که یکبار مسئله حجاب بدون اینکه برنامه روشنی ارائه شود و بدون در نظر گرفتن همه جوانب قضیه مطرح شده بود، اشکالات مشابه پیش آمد تا جایی که عناصر طرفدار رژیم شاه و طرف داران بختیار و انواع مخالفان

در صف مردم و کمبود و نقصان در برنامه ریزی سیاسی نمری نخواهد داشت. ما با اعتقاد راسخ به صحت این شی، مبارزه را برای اتحاد بزرگ ملی برای اتحاد کلیه نیروهای پیرو راستین خط امام ادامه میدهم.

هم کسب کرده ایم ولی عده ای مرتب ما را دعوت میکنند که در انزوا بسر ببریم. روابط ما با شرق باید روابطی درست و دوستانه باشد یعنی بر اساس استقلال کامل ما و وابستگی به شرق نباید وجود آید و اگر بوجود بیاید وضع ما بمراتب بدتر از گذشته خواهد شد. وابستگی بغرب هم باید به سرعت از میان برود. ولی روابط ما باید وجود داشته باشد، به صورت روابط متقابل اصولی. همانطور که آشکاره کردیم متأسفانه تلاش عده ای بر آن است که تمام روابط ما با غرب از میان برود تا در دامان غرب بیافتیم که هر دو تلاش به نظر من خیانتکارانه میباشد... اصولاً باید گفت، روابط سیاسی ما با دوا بر قدرت شرق و غرب یک مسئله است و مسائل اقتصادی یک حرف دیگر. ما باید مواضع اصولی خودمان را حفظ بکنیم و هر آنچه که می بینیم درست است بگوئیم و هر جاکه می بینیم غلط است بگوئیم غلط است.

انقلاب کوشش کردند از خواست بخشی از زنان و مخالفت آنان بهره برداری کنند.

این بار نیز طرح این مسئله با همان شیوه و با برخی ابهامات قابل تعبیر و تفسیر همراه است که خود بخود برخی مسائل و مشکلات در ادارات و مزاحمت هایی از قبیل تعرض به زنان در خیابانها و غیره را سبب خواهد شد.

مسئولین باید از قبل به این امور بیندیشند و از ایجاد اغتشاش و زمینه سازی برای بهره برداری های هرج و مرج طلبانه جلوگیری کنند. اکنون نیز خوبست دستور امام خمینی مورد توجه جدی مردم و مسئولین قرار گیرد.

روستای محمودآباد - فارس

درگیری بخاطر زمین

دهقانان محمودآباد و مهارلو باید از هرگونه درگیری بین خود اجتناب کنند و اختلافات خود را از طریق بحث و گفتگو و حق دادن به حق دار حل نمایند.

محمودآباد (پای برج - ایلام) در ۴۳ کیلومتر جاده شیراز - سروستان مشرف بر دریاچه نمک قرار گرفته است. در این روستا حدود ۸۰ خانوار زندگی می کنند و عمدتاً از طریق دامداری سنتی امرار معاش می نمایند.

سواد و آموزش:

در این روستا یک مدرسه سه کلاسه هست که بعد از دو سال تعطیلی امسال مجدداً "دائر شده است". در کلاس اول این مدرسه ۲۵ - ۲۲ دانش آموز دختر و پسر درس می خوانند و کلاس دوم و سوم هر کدام ۱۵ - ۱۲ نفر شاگرد دارد. یک کلاس سواد آموزی بزرگسالان نیز دائر شده است ولی به دلایل گوناگون از آن استقبال چندانی نشده است.

بهداشت و درمان:

بیماران ده، هفته ای یکبار و مداوم میشوند. به غیر از این هیچ گونه امکانات بهداشتی و بهداشتی دیگری در ده وجود ندارد.

آب و برق:

ده آب لوله کشی دارد، ولی فاقد برق است. به دلیل اینکه برق سراسری ۱/۵ کیلومتری ده موجود است برنامه ای برای برق رسانی به

پیش بابت کشت در این زمینها به کدخدای "پشت برم" (ده بعد از مهارلو) عشریه می داده اند. حالاهم با اینکه زمین مذکور کشت شده است و گویا بذر آن را دهقانان محمودآباد از جیره غذایی خود برداشته اند... و الان موقع دروست... ولی بدلیل حاد بودن اوضاع و احتمال درگیری، محمودآبادیها می ترسند درو کنند. و گویا از این ۴۲ خانوار، عده زیادی خود را کنار کشیده اند. زیرا اهالی مهارلو مرتباً آنها را تهدید میکنند. به اظهار اهالی محمودآباد افراد ضعیف این روستا را در شهر کتک می زنند و یا تهدید می کنند... و آنها می گویند که: "چون قانون پشت سر آنها نیست از خیر محصولان گذشته اند" و می گویند: "اگر قانون باشد ما حاضریم حتی خانه مان را هم بدهیم تا بتوانیم با خیال راحت در این زمینها کشت کنیم... زیرا حتی یک خوشه گندم الکی سه دست نمی آید... اگر گشته شدیم انتقام دسترنجمان را می گیریم. این گفته عده ای است که محکوم استاده اند و می گویند که از تهدیدات نمی ترسند... آنها حتی شراکتی جاه هم حفر کرده اند و مشغول کشت گوجه فرنگی در یک چهارم هکتار از زمین کشت شده می باشند.

یکی از کارگران کشاورز که از ده دیگری به اینجا آمده و در کشت گوجه فرنگی همکاری می کند می گفت: "امروز ما باید کاری کنیم که محتاج آمریکا نباشیم. ایران احتیاج به گندم و دیگر محصولات دارد. بهترین جنگ کشت است. ما که نمی خواهیم با دولت طرف بنویم ما می توانیم بزیم به بیابانها و با خوردن پوست درخت روزگار بگذرانیم تمام ولایتی ها بیگارند و می خواهند با کشت به شیراز هم محصول بدهند..."

درگیری بخاطر زمین

از بعد از انقلاب تا حالا ۱۷ نفر مهارلویی که مقداری زمین داشته اند، مقداری را به شهریه ها، کارمندان هوا - نیرو... فروخته اند. مقداری را هم باغ کرده اند. زمین هائی هم هست که ۱ سال است خیش نشده است علاوه بر آن هر کدام ۱۰ هکتار زمین زیر کشت دارند. در زمان "اصلاحات ارضی" از زمینهای آب خونی قسمتی گیر آنها آمد و سند گرفتند. آنها به دلیل داشتن سند می گویند: "از بعد "برم شور" (ده قبل از محمودآباد) تا بعداً "گمانه" "آخچه"...

نامه سرگشاده گروهی از کارگران کارخانه سیمان نگا

اعضای انقلابی شورا را اخراج میشوند و ساواکی دوره دیده وارد عمل میشود

نامه سرگشاده به: دفتر امام خمینی - رئیس جمهور - دادستان کل کشور - وزیر کار

بسم تعالی
بیش از یک ماه است که از اخراج اکثریت اعضاء شورای کارگران کارخانه سیمان نگا میگذرد. در این مدت اوضاعی در کارخانه بوجود آمده که مابعد عنوان گروهی از کارگران متعهد به انقلاب اسلامی ورهبری امام که حمایت مادی و معنوی از مستضعفین بویژه کارگران را از اصول اساسی این انقلاب میدانیم به گفتن برخی حقایق برای آن کسانی که گوش شنوا برای شنیدن حرفهای کارگران دارند، وادار شویم.

۱- در همان روز اول اخراج اعضاء شورا فردی بنام هاشم زاده که معاون اداره آموزش و پرورش به شهر میباید، با حکم دادستان انقلاب بمنظور تحقیق به کارخانه میاید. ولی ایشان بجای تحقیق به تهدید کارگران پرداخته که نباید از اعضاء شورا پشتیبانی کنند، وگرنه اخراج خواهند شد. این شخص حتی دادگاه خلخال را به رخ کارگران کشیده، دست کارفرما را میفشارد و میگوید هر تعداد پاسدار بخواهد در اختیارش قرار میدهد.

مسئولین امر باید برای ما روشن کنند که دادگاه انقلاب همانگونه که تا بحال عمل کرده برای سرکوب ضد انقلاب است یا اینکه برای سرکوب کارگران. در غیر اینصورت چرا چنین افراد غیر مسئولی این دادگاهها را برای کارگران تجویز میکنند. آیا انتظار دارید با چنین روشهایی دادگاههای انقلاب همچنان مورد پشتیبانی اکثریت مردم قرار گیرند.

۲- مدیران و کارفرمایانی که در گذشته در اس کار قرار میگرفتند میبایست حتماً مورد تأیید دستگاه جبار و خونخوار پهلوی میبودند. اکنون در بسیاری موارد همان مدیران

شکل دیگری میباشند و در این راه از هیچ کوشش آشکار و پنهان خودداری نخواهند کرد.

۳- بعد از اخراج اکثریت اعضاء شورا برای باصلاح تثبیت موقعیت مدیر کارخانه تحت نظارت پاسداران نگا یک رای گیری فرمایشی انجام گرفت. این رای گیری که الحق ما را به یاد رژیم سرنگون شده طاغوت می انداخت. شاید بدتر از آن حتی ظاهر مسئله هم رعایت نشده و اعمال زور در آن در همان نگاه اول پیدا بود ابتدا گفتند که این رای گیری ربطی به اخراج اعضاء شورا ندارد و فقط برای تأیید مدیریت است. سپس، از آنجائیکه مطمئن بودند در شرایط عادی و برای رای گیری مخفی اکثریت قاطع کارگران رای مخفی خواهند داد گفتند که کلیه کارگران باید در کاغذی که رای میدهند اسم و شماره کارت کارگری خود را نوشته و امضاء کنند. تا مشخص شود چه کسانی مدیر کارخانه را تأیید نمی کنند و بدین ترتیب آنانرا از کارخانه اخراج کنند آیا این است ثمره خون شهیدان انقلاب ایران. آیا حقوق اولیه کارگرانی که ستون این انقلاب بوده و هستند باید اینچنین بوسیله بقایای رژیم گذشته که با تزویر و ریا لباس اسلام برتن کرده اند پامال شود.

بدین ترتیب آیا فکر میکنید در چنین شرایطی دشمن آسان در انقلاب رخنه نمی کند تا از درون آنرا مورد حمله قرار دهد و از طرف دیگر کسانی که انقلاب را آبیاری کرده اند رانده میشوند، تاکی این انقلاب مسیر درست خود را ادامه خواهد داد.

۴- اکنون بعد از گذشت مدت کوتاهی از اخراج اعضاء شورا، چنان شرایط اختناق را در کارخانه حکمفرما کرده اند که هر کس کوچکترین حرکتی انجام دهد یا کوچکترین حرفی بزند جاسوسان و خیر چینیان مدیر کارخانه آنرا گزارش میکنند. بعضی از

ما شعار نه شرقی و نه غربی جمهوری اسلامی میدادند و در مبارزات شرکت میکردند با توطئه و تباخی از کارخانه اخراج میشوند و خیرچین ساواک دوره می بیند و شغل گذشته خود را اینبار بطور علنی تر بر علیه کارگران بعهدہ میگیرد.

۵- گفته اند دلیل اخراج اعضاء شورا دخالت در مدیریت بوده است و (جلوگیری از اخراج یک کارگر) اگر این عمل شورا از نظر مقامات مسئول درست نبوده، میتوانند که مسئله را برای ما روشن کنند. اگر شورا بخواهد هر عملی را که مدیر کارخانه انجام میدهد تأیید کند که دیگر احتیاجی به شورا نیست. اگر اعضاء شورا به محض کوچکترین مخالفت با یک عمل کارفرما اخراج شوند پس کارگران چه نقشی را میتوانند در این انقلاب بازی کنند.

همچنین اگر اخراج اعضاء شورا بعلت عضویت آنان در کنفدراسیون کارگران ایران بوده، آنها ما را در جریان کلیه امور مربوط به کنفدراسیون کارگران قرار داده و اصولاً در قانون اساسی تشکیلات صنفی به رسمیت شناخته شده است. اگر این چند اصلی هم که در قانون اساسی بنفع ما کارگران تصویب شده نخواهند اجرا کنند پس دیگر چگونه میتوانند ادعای پشتیبانی از مستضعفین را داشته باشند. اگر ما کارگران حق نداشته باشیم حتی در کارخانه نمایندگان خود را آزادانه انتخاب کنیم پس چگونه جمهوری اسلامی میتواند برسوی کارگران و زحمتکشان استوار باشد.

۶- مدیر کارخانه و دستهای که دور ویرا جمع شده اند به اسم اسلام و مکتب لطمه شدیدی بر اساس جمهوری اسلامی زده اند و بدبینی شدیدی در بین کارگران بوجود آورده اند. این تصور که اسلام دستاویز شده برای عده ای که منافقان را حفظ کرده و یا است و

این روستا در دست اقدام است و مشکل این برنامه اینست که بر سر هزینه آن دعواست که آیا هزینه را اجناسازندگی بپردازد یا اداره برق سراسری!

زمین و کشاورزی:

دهاز خودزمین کشاورزی ندارد و اهالی ده روی قطعه زمینی که در مجاورت این ده موجود است و مساحت آن ۱۲۰ هکتار است و معروف به زمینهای "ارجنی" است باده همسایه خود (مهالو) دعوا دارند. گویایین زمینها در موقع "اصلاحات ارضی" متعلق به محمودآباد بوده ولی جزء سند زمینهای ده مجاور یعنی مهالو بحساب آمده است. در گزارشی از مهالو به این مسأله و دعوی بین اهالی این روستا اشاره کرده ایم. نظرا به اهالی محمودآباد و مهالو در مورد چگونگی این مسئله تفاوت است. در این گزارش نظرات اهالی روستای محمودآباد را آوریم. موقعیت اجتماعی روستای محمودآباد در این ده جزه سه (کدخداسدا و دو برادرش) که رویهم ۱۱۰ هکتار زمین دارند و کارگر برای کشاورزی شان میگیرند، بقیه زمین ندارند. از این مقدار زمین ۳۰ هکتارش در "ارجنی" قرار دارد و جالب اینکه روی این ۳۰ هکتار دعوا نیست! کدخدا و برادرانش روی زمین های خود چاه زده اند، تلمبه دارند، تراکتور دارند... و از نظر دامداری هم وضعیت خوب است. آنها زمین هایشان را به باغ تبدیل کرده اند و صیفی می کارند. بقیه کشاورزان تنها زمینشان یعنی همین ۹۰ هکتار مورد دعواست. تعداد ۳ یا ۴ خانوار لسر هم در این ده زندگی میکنند که بگمان ۱۰ هکتار زمین زیر "عباس آباد" (ده مجاور) دارد که تلمبه زده است و بقیه بش می کارند و حدود ۵-۴ هکتار زمین بیشتر ندارند. تعداد ۶-۵ کارگر هم در ده زندگی می کنند که در کوره آهک بزی "برم شور" کار می کنند آنها نه بطور دائم. کارشان بسیار سخت و طاقت فرساست و آهک داغ را باید با بیل و دست خالی کنند. روزی ۸۰ تومان مزد میگیرند. عدهای هم کارگر کشاورزی هستند که برای کدخدا یا برادرانش کار میکنند و روزی ۶۰-۵۰ تومان می گیرند. آنها سیب زمینی، تولگی (پته) و... می کارند... کدخدا گاهی مزد هم آنها نمی دهد و می گوید سر خرمن حساب می کنیم! یا "هروقت دولت به ماداماهم بگشا میدهیم!" در ده دوتراکتور هست. یکی مال کدخداست و دیگری مال ۱۵ خانوار شریک! بقیه تراکتور کرایه می کنند: ساعتی ۱۰۰ تا ۱۲۰ تومان. کرایسه

در سندسازان ذکر شده. توضیح اینکه زمینهای آب خونی و "ارجنی" دنبال یکدیگر است و زمین های "ارجنی" می تواند از آب خونی مشروب سودولی الان جلوی آب را گرفته اند. درگیری اول: اولین بار کده عدهای از "مهالو" برای گرفتن این زمینها آمدند محمودآبادیها هم نشان کردند. و مقداری بحث کردند که "جراشا قبلا" اقدام به گرفتن این زمینها نکردید؟ مهالوئیها هم جواب میدهند: "حالا هرج و مرج است و قانون نیست. ما زمینها را می گیریم!" به موجب شکایتی که اهالی محمودآباد به سپاه پاسداران سروسنجان می کنند این زمینها به ۴۲ خانوار محمودآبادی داده می شود که آنها را کشت می کنند... آنها اصل فقط گندم و جو کاشته اند در صورتیکه سالهای پیش علاوه بر آن چیزهای دیگری مثل عدس، زبزه، نخود... هم می کاشتند... درگیری دوم: در درگیری دوم، که موقع شخم زمینها بود عدهای از "مهالو" (بیرمردها) می آیند و می گویند: می خواهیم خودمان را بکشیم! در این درگیری اتفاقی نمی افتد. درگیری سوم: در درگیری سوم، که در آن موقع اهالی محمودآباد هم در این زمینها حفی کرده بودند، عده زیادی از "مهالو" می آیند... و حتی یک نفر مهالوئی در جبهه می افتد و دو نفر مهالوئی و دو نفر محمودآبادی زخمی می شوند... گویا پاسگاه کوهنجان پرونده زخمی شدن محمودآبادیها را از روی پرونده بر می دارد!

بعد از این درگیری، روستائیان "محمودآباد" به استانداری، دادستانی و زاندارمری شیراز می روند... ولی از همه جا آنها را به پاسگاه کوهنجان می فرستند! و گویا در این پاسگاه می سری روابط با مهالوئیها موجود است... و یکطرفه به نفع مهالوئیها قضاوت می کند. اهالی محمودآباد می گویند: "در زمان اصلاحات ارضی وقتی برای گرفتن سند از "ایازیکلام" کدخدای عباس آباد (ده مجاور) رفتیم گفتند: زمین بش که سند نمی خواهد همینکه خانه های شما مجاور این زمینهاست گواهی میدهد که شما مالک این زمینها هستید! سند شما در محضر است."

محصول محمودآباد آماده برداشت است ولی دهقانان جرأت درو ندارند

دهقانان محمودآباد تا چهار سال

خمیر گیری می کردم، پشت دخل می ایستادم... و حدود ۱۲ ساعت در روز کار می کردم ۱۰۰۰ تومان می گرفتم... شبها هم درس میخواندم الان بزرگترین خطر جنگ داخلی است که اگر بهم نسامیم و ندانیم کی دشمنان است دچار خواهیم شد... الان پشتوانه ما کاراست... نباید پشت میز بنشینیم بلکه باید تولید کنیم...

اهالی مهالو: اگر قانون بیاید ما حاضریم تقسیم کنیم

اهالی مهالو نظر دیگری دارند. آنها می گویند: زمین مال ماست و نمی شود گفت کسی که ندارد باید ما به او بدهیم... اگر اینطورست حقوق بگیران ادارات حقوقشان را با بیگاران نصف کنند! یکی از اهالی مهالو گفته خودش در زمین سهم داردمی گفت: "تا سالهای قبل از انقلاب ما این زمین را به محمودآبادیها اجاره می دادیم رویش کار می کردند... حالا هم اگر این قانون بیاید، ما حاضریم تقسیم کنیم... در غیر اینصورت تا پای جان می ایستیم و حقمان را حفظ میکنیم..."

باید فوراً اقدام کرد

باتوجه به اهمیت مسئله کشت و تولید در روستاها و رسیدن فصل درو و بخصوص وجود احتمال درگیری بین اهالی این دوروستا... لازم است هرچه زودتر با دخالت مراجع صالحه دولتی به مسئله فوق رسیدگی شود. هر چند می گویند محصول گندم و جو این زمینها بدلیل بی آبی کفاف هزینه اش را نمی کند... ولی کشاورزان قصد دارند بعد از برداشت محصول پنبه بکارند. دهقانان هر دوروستای محمودآباد و مهالو هم باید از هرگونه درگیری بین خود اجتناب نمایند و اختلافات موجود بین خود را از طریق بحث و گفتگو و حق دادن به حقدار حل نمایند. از درگیری و زدوخورد و برخورد تهر آمیز در حل تضادهای درون خلق فقط دشمنان انقلاب و استقلال کشور سود می برند. باید مواظب و هشیار بود و بدام دشمنان انقلاب و استقلال کشور نیفتاد.

با سادار انقلاب که در اختیار این مدیران قرار میگیرد میتوانست در جهت منافع انقلاب عمل کند؟ محض اطلاع لازم به توضیح است که برادر مدیر عامل کارخانه سیمان نکا تیمسار معدوم نظامی (فرماندار نظامی شهرستان قم) در فروردین ماه امسال مفسد فی الارض شناخته شد و اعدام گردید. آقایان روسا در آن هنگام به اخوی تیمسار معدوم شده تسلیت میگفتند، آیا بنظر شما اینگونه افراد برای یک ایران انقلابی کار خواهند کرد یا چشم براه بازگشت نظامی طاغوتی وابسته به بیگانه به

سورخ بیرون آورده و کارگران را دائماً تهدید به اخراج میکنند. فردیکه در گذشته خیرچین ساواک بوده و بعد از انقلاب چند روز در بازداشت دادگاه انقلاب بهشهر قرار داشت و اخیرا هم اسمش در لیست ساواکیهای بهشهر آمده، اکنون تبدیل به یکی از جماعتهای کارفرما در بالای سر کارگران شده است. بله مدیر کارخانه ابتدا او را برای دیدن یک دوره آموزشی فرستاده و اکنون شغل بازرسی کارخانه را به او واگذار کرده، اعضا شورا که در زمان انقلاب در پیشاپیش

کارگر در و پنجره ساز آلومینیوم در نامه ای به رنجبر:

تعطیل و ورشکستگی کارگاههای کوچک

برای آینده انقلاب خطرناک است

دوستان نشریه رنجبر خسته نباشید. امیدوارم در خدمت به خلق و طبقه کارگر موفق و پیروز باشید. من یک کارگر در و پنجره ساز آلومینیوم هستم. کارگاههایمان در خیابان خاک سفید تهران پارس است. کارگاه ما قبل از انقلاب ۳۰ نفر کارگر داشت ولی در دوران انقلاب به علت خوابیدن کارهای ساختمانی مدت شش ماه بیگاری کشیدیم و بعد هم تعداد کارگران به ۱۲ رسید و الان هم که این نامر برای شمامی فرستم کارگاهمان در حال تعطیل شدن است چونکه در این یکسال قیمت پروفیل آلومینیوم ۲/۵ تا ۳ برابر قیمت رسیده است. یعنی از کیلویی ۱۴۰ ریال به ۳۰۰ تا ۲۵۰ ریال رسیده است. در این یکسال بعلت گرانی مواد اولیه و کمبود گاز ظرف کارفرما مرتب تهدید به بستن در کارخانه میشدیم و هروقت تقاضای اضافه حقوق یا مزایای میگویند: "همین که هست، نمی خواهید، جای دیگر کار پیدا کنید. اگر بازم بمن فشار بیاید کارگاه را تعطیل و اعلان ورشکستگی می کنم". کارفرماها از این جریان سو استفاده می کنند که جلوی دهان کارگران را ببندند تا آنها از ترس بیگاری دم نزنند. همه کارفرماها همین طور هستند چه آنها که سود کلان میبرند چه آنها که سود زیاد نمی برند. بهر جهت تعطیل و اخراج از کارخانه جماعتی است که دردست آنهاست.

عمیقاً از این وضع متأسف هستیم، در جمهوری اسلامی ما انتظار محو هر گونه تبعیض و ستم از زحمتکشان را داشتیم ولی اکنون با اشکال جدید زور و ستم روبرو میشویم. گروهی از کارگران کارخانه سیمان نکا رنوشته به روزنامه های: انقلاب اسلامی - جمهوری اسلامی - اطلاعات - کیهان - بامداد

کارخانه مخابرات شیراز (گما) یکی از مراکز مهم مبارزه با رژیم بود، پس از اتمام این لوازم محتاج آلمان هستیم!

نامه ای را که در زیر میخوانید یکی از کارگران ریمنس به دفتر رنجبر در شیراز داده است. سلام خدمت دوستان رنجبر کارخانجات مخابرات شیراز (گما) در خیابان مدرس قرار گرفته و وسعت بزرگی دارد. این کارخانه که در سال ۱۳۴۲ ساخته شده است دارای ۱۹ قسمت تولیدی و سه قسمت اداری است ۳۰٪ از سهام آن متعلق به بیست و تلگراف ۳۰٪ به خانواده منقورشاه و ۴۰٪ آن هم متعلق به ریمنس آلمان بقیه در صفحه ۴

شده است. کارگاه ما هم فعلاً بخاطر نگرستن بول از کارگاه ساختمانی و نداشتن جنس، پانزده روز تعطیل شده است. در ضمن من بعنوان یک کارگر از نشریه رنجبر تشکر میکنم که درد ما کارگران را بدون کم و کاست در نشریه خود درج می کند. مرگ برابر قدرتهای شرق و غرب به امید موفقیت تهران - م

بیاد مبارزه خونین کارگران قهرمان نساجی قائم شهر (شاهی سابق)

مصاحبه با کارگران نساجی شیاهی

گذاشتند. دهها نفر زندانی شدند و اعتصاب ظاهرا سرکوب شد. اما مبارزه هیچگاه پایان نیافت. باگرامیداشت خاطره مبارزه کارگران نساجی، حزب رنجبران ایران (بخش ساری) مصاحبه‌ای با چند نفر از کارگران مبارزی که در جریان اعتصاب زندانی شده بودند بعمل آورده است که در زیر میخوانید:

متن مصاحبه:

در تاریخ سراسر مبارزاتی مردم میهن ما علیه نظام طاغوتی وابسته به امپریالیسم، مبارزات کارگران قهرمان همواره مقامی برجسته داشته است. اعتصابات خونین کارگران نفت جنوب، کوره پزخانه، چیت نهران و... بزرگترین ضربات را بر پایه‌های بوسیده رژیم منفور پهلوی وارد ساختند. جمع‌بندی از این مبارزات پراکنده بر عنای دانش انقلابی مردم میهن ما افزوده و عزم

کارسنگین، نداشتن امکانات رفاهی نداشتن بیمه و بازنشستگی، تبعیض فوق‌العاده زیاد و محیط سراسر پلیسی، عواملی بودند که کارگران رانیه مرز طغیان رسانیده بود.

رنجبر: انگیزه اعتصاب، چگونه شروع و ادامه آن را طبق مشاهدات خود شرح دهید.

ج: وضع ما کارگران بصورت رقت باری درآمده بود. کارسنگین، نداشتن امکانات رفاهی مثل ناهار خوری، نداشتن بیمه و تامین بازنشستگی، تبعیض فوق‌العاده زیاد و محیط سراسر پلیسی کارخانه که هیچکس جرأت حرف زدن یا دیگری نداشت، عرصه را بر ما تنگ کرده بود. اگر کسی جرأت اعتراض پیدا میکرد سروکارش با ساواک بود. اینها همه عواملی بودند که کارگران را به مرز طغیان رسانده بود. اما آنچه کاسه صبر ما را لبریز کرد آخرین شگرد کارفرما در جابیدن ما بود. همه میدانند که رژیم گذشته برای فریب کارگران قسمتی از مزد را بصورت سود ویژه درآورده بود. مثلا از حقوق روزی ۵۰ تومان یک کارگر، ۱۰ تومان

راسخ آنها را در ادامه انقلاب شکوهمند ضد امپریالیستی محکمتر می‌نماید. یکی از این مبارزات درخشان و قهرمانانه کارگران، اعتصاب خونین نساجی قائم شهر می‌باشد. در ۵ تیرماه ۱۳۵۴ کارگران مبارز کارخانه نساجی قائم شهر که زیر بار کار طاقت فرسا و دستمزد ناچیز عرصه حیات را برخورد تنگ میدیدند، بعنوان اعتراض بر مالیات مضاعفی که کارفرما بر سود ویژه اندک آنها بسته بود، دست به اعتصاب نشسته زدند. رژیم که خطر گسترش مبارزه و تزلزل بیشتر پایه‌های خود را حس کرده بود، در پایان روز سوم اعتصاب، دست به سرکوب خونین زد. مقاومت دلیرانه کارگران و مردم قائم شهر دامنه درگیری را آنچنان وسعت بخشید که شهر حالت جنگ زده بخود گرفت. مسلسلهای رژیم بار دیگر دهها کشته و زخمی بجای

و یوسف ملکشاهی بر اثر اصابت گلوله شهید گردید. دهها نفر مصدوم و زندانی شدند. شاه یکبار دیگر در سرکوب کارگران باصطلاح موفق شد.

رنجبر: واکنش کارگران و مردم نسبت به سرکوب چه بود؟

ج: مردم و کارگران از فردای آنروز دست به مقاومت زدند. یک ماشین آب پاش و چند حلقه لاستیک توسط جوانانی که اکثرا فرزندان کارگران بودند به آتش کشیده شد. شهر حالت جنگ زده گرفت. پلیس مزدور حالت حکومت نظامی برقرار کرد. مقر فرماندهی حکومت نظامی در کیوسک اطلاعات کارخانه بود. راههای ورودی و خروجی شهر بوسیله پلیس مسدود شده بود و ماشینهای مسافری را از جاده کمربندی عبور میدادند. بعد از سه چهار روز جنگ و گریز پراکنده و دستگیری عده زیادی از کارگران و مردم، شهر آرامش ظاهری خود را بازیافت. رئیس کارخانه هم باصطلاح ارفاق کرد و سود ویژه را به ۱۵۰۰ تومان رساند. از آن بیعت تا مدتها پلیس در اطلاعات مستقر بود و کارگران را بازرسی میکرد و در کارخانه هم محیط پلیسی خفقان آور برقرار شد.

رنجبر: با کارگران زندانی چه کرده‌اند؟

ج: من خودم ۴۰ روز زندانی بودم ولی بنظرم ۴۰ سال آمد. با اینکه عده دستگیر شدگان زیاد بودو قضیه جنبه صنفی داشت شکنجه روحی و جسمی زیادی انجام دادند. فحشهای رکیک و چک و لگد عادی بود. اجازه رفتن به مستراح نداشتیم اکثرا در بیت حلبی گوشه سلول ادرار میکردیم. یکدیگر از کارگران که فحشهای رکیک آنها را به خودشان برگردانده بود شدیداً مصدوم و

آنها بر میداشتند و آخر سال بعنوان سود ویژه!! با کلی منت به ما میدادند. با اینکه مالیات از کل حقوق ما کسر میشد، کارفرمای طماع دوباره بعنوان مالیات و بیمه و عوارض دیگر، از این باصطلاح سود ویژه مبلغ زیادی را کسر کرد. بطوریکه مجموعاً ۱۱۰۰ تومان سود ویژه بطور متوسط سالانه ب ما داده‌اند کارگران که این حقه بازی و بیشرمی را میدیدند از وقاحت زیاد کارفرما به خشم آمدند و از گرفتن سود ویژه خودداری کردند. این عمل کارفرما کاسه صبر ما را لبریز کرد و اعتصاب شروع شد. کارگران بدون تشکل و سازماندهی قبلی ولی بطور یکپارچه در محیط کارخانه دست به اعتصاب نشسته زدند. رئیس کارخانه تهدید و تطبیع را شروع کرد. اما بی‌نتیجه تا اینکه کلاهخودبهای پلیس شاه از تهران آمدند.

رنجبر: چه وقت مامورین از تهران آمدند و درگیری چطور شروع شد.

ج: سه روز بعد از شروع اعتصاب ما قیلا رئیس کارخانه با ساواک تلفنی صحبت کرده بود. اول افسر فرمانده پلیس برای ماسخترانی کرد. ما را نصیحت کرد که شما فریب اخلالگران!! و بیگانه پرستان!! را نخورید. ما آنها را میشناسیم و شدیداً مجازات میکنیم برگردین سرگارتان، اما کارگران برایش تره هم خرد نکردند. حدود ساعت ۹/۵ شب (بین دوشیفت) درگیری شروع شد و تانزیدیک صبح ادامه داشت رگبار گلوله و گاز اشک آور به روی کارگران بی دفاعی که چیزی جز مزد بردگی خود را نمی‌خواستند مبارزید. افسر مزدور پلیس با بی‌سیم مرتباً از تهران دستور میگرفت. نزدیک صبح اوضاع بتدریج آرام‌شد و چند نفر منجمه دوتن بنامهای پرویز مستوفی

ناقص العضو شد (از مردانگی افتاد) رنجبر: بعد از انقلاب چه تغییری در وضع شما و کارخانه بوجود آمده است؟

ج: ما همه از انقلاب استقبال کردیم. همه فکر میکردیم که وضع ما بهتر خواهد شد. اما متأسفانه نه فقط بهتر نشد بلکه در مواردی بدتر هم شده. حقوق ما را اندکی اضافه کردند اما دوبرابر ارفاق عمومی گرانتر شده است. باکسازي اصلاً انجام نشده است. طاغوتیها را به دفتر کولر دار منتقل کرده و حقوقشان را هم اضافه کرده‌اند. اینها چون ضد انقلاب هستند برای کارگران و تولید کارشکنی میکنند. حتی آنچه را که

هم بدترین. کارگران میگویند این گروهها دلشان برای ما نسوخته بلکه بحال روسها سوخته است.

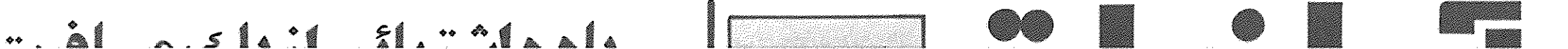
رنجبر: پیشنهاد شما برای بهبود وضع و عدم وابستگی اقتصادی کارخانه چیست؟

ج: اولاً ما سندیکا نداریم. شورای موجود هم نماینده فقط ۷۰۰ نفر از ۵۰۰۰ کارگر کارخانه است. تازه از افراد شورا بجز سه نفر بقیه کنار رفته‌اند. ما میگوئیم نمایندگان واقعی تمام کارگران باید برای ما تصمیم بگیرد. همه کارگران منتظرند ببینند مجلس برای آنها چه میکند. ولی ما حتی یک نماینده در مجلس

از ساعت ۹/۵ شب درگیری شروع شد و تانزیدیک صبح ادامه داشت. رگبار گلوله و گاز اشک‌آور بروی کارگران بی‌دفاعی کسه چیزی جز مزد بردگی خود را نمی‌خواستند، مبارزید.

نداریم. قانون کار همان قانون طاغوتی است. ماده ۳۳ هم پابر جاست. کارفرما و رئیس کارخانه هم طاغوتی است. فقط چیزی که بهتر شده آزادی کارگر است حالا حداقل جرات حرف زدن و اعتراض داریم. ما میخواهیم برای تدوین قانون کار جدید از نماینده کارگران استفاده شود. برای استقلال کارخانه و کشور اول باید به وضع کارگرها رسید، بقیه چیزها آسان است. وقتی کارگران راضی باشند هیچوقت نمی‌گذارند تولید متوقف شود. با جنگ و دندان هم که شده آنها راه می‌اندازند. حالا با پیام امام امیدواریم هرچه زودتر پاکسازی بعمل آمده و طاغوتیها را بیرون بیاورند و قوانین طاغوتی را تغییر داده و کار را به دست افراد انقلابی بسپارند.

بحقوق ما اضافه کرده‌اند، ادعا میکنند که در زمان شریف امامی اضافه شده است. خلاصه ضد انقلاب عمد دارد کارگران را نسبت به انقلاب بدبین کند، اینان در تولید هم کارشکنی میکنند با اینکه در بعضی قسمتها تعداد کارگران به دوبرابر رسیده است اما تولید پائین آمده، به بهانه نبودن لوازم یدکی و مواد اولیه، ما نمی‌دانیم آیا ملت ما آنقدر عقب افتاده است که نمی‌تواند این مایحتاج کارخانه را خودش درست کند؟ این افراد طاغوتی که هنوز سرکار هستند اکثراً آرزوی بازگشت رژیم وابسته به آمریکا را دارند. از طرفی گروههای سیاسی اخلالگری هم در کارخانه فعالیت دارند که کارگران از آنها خوششان نمی‌آید بخصوص از چریکها، کارگران میگویند ما نمی‌خواهیم شوروی پر ایران مسلط شود. چون آنها از آمریکا



افول ستاره سرخ در تنگه خیر

● لشکر کشی با انقلاب تفاوت بسیار دارد
● رزم‌جانانه مردم افغانستان و در ماندگی و بدنامی حکومت

روزنامه آرمان ملت، ارگان حزب ملت ایران، در شماره ۱۴ سه‌شنبه ۱۰ تیر مقاله‌ای تحت عنوان "افول ستاره سرخ در تنگه خیر نوشته و به بررسی چگونگی نفوذ و لشکرکشی شوروی به افغانستان و شکل‌گیری ورشده مبارزات خلق افغان پرداخته‌است. آرمان ملت در این مقاله، هدف تجاوز نظامی روسیه به افغانستان را تصرف این کشور و کنترل و نگاهداری راه‌های تدارکاتی برای اهداف نظامی دانسته و به کودتاهای پی‌درپی روسی اشاره کرده که این کودتاهای شوه همه سیاست‌های استعماری برای حفظ و تحکیم قدرتشان است و تعویض مهره‌ها نیز فقط برای فریب مردم است. و افزوده تلاش روسها بر آن بوده است که در افغانستان حکومتی بر سر کار آورند که دست کم توانایی اداره امور داخلی کشور را داشته باشد و لی هر حکومت که به کارگمارده‌شد، از حکومت قبلی ناتوان تر بود. ناتوانی حکومت‌هایی که روسها بر سر کار آوردند دو علت اساسی داشته است، یکی پایداری دلیرانه مردم میهن خواه افغانستان و دیگر، بی تناسب بودن بنیادها و سیاست‌های حکومت. مردم افغانستان، با حکومت های دست نشانده بیگانه جنگیدند، هرکس بهر وسیله که در اختیار داشت با حکومت بنای ستیزه گذاشت، و آن ها که هیچ کار از دستشان نمی‌آمد از حکومت بریدند، حکومت‌های وابسته به بیگانه بی یاور ماندند، تنها ماندن حکومت، زمینه اصلی شکست آن را فراهم ساخت. بنیادها و سیاست‌هایی که

حکومت‌های افغانستان میخواستند به کار گیرند، مناسب حال اقتصاد و اجتماع افغانستان نبود و آنچه از مغز زمامداران افغانستان ترشح می‌کرد، با شرایط روانی مردم افغانستان تطبیق نمی‌کرد. نظام حکومتی خواه ناخواه باید با شرایط زمانی و مکانی انطباق داشته باشد، در غیر این صورت برای اجرای هر تصمیم ساده حکومت میباید به قوه قهریه توسل جست و این طرز عمل بطور دائم و در همه زمینه‌ها، برای هیچ حکومتی میسر نیست. حکومت ناتوان در اثر بهره گیری از روشهای دیکتاتوری ناتوانتر میشود و ناتوانتر شدن حکومت از یک سو بر قدرت ایستادگی مردم در برابر آن می‌افزاید و از سوی دیگر حکومت را به سود جستن از روشها و وسیله های خشونت بار سوق میدهد این تاثیر متقابل، سقوط حتمی و بسی افتخار حکومت ادامه پیدا می‌کند و این فاجعه بر حکومت های افغانستان هم رفته است و باز هم ادامه خواهد یافت."

آرمان ملت در ادامه مقاله به توضیح جریان تاریخی مبارزه مردم افغانستان می‌پردازد و معتقد است که مردم افغانستان همانطور که ارتش انگلیسی حامی شاه شجاع را از دم تیغ گذراندند و شکست دادند، ارتش متجاوز روسیه را نیز شکست خواهند داد. اما بنظر آرمان ملت یک اشکال اساسی در این میان موجود است و آن اینکه نیروهای رزمنده افغانی، هنوز نتوانسته‌اند یک سر فرمانده اصلی برای اردوی جنگنده خود فراهم آورند و گروه‌های



نامه زیر بخشهایی از خاطرات مسافرت یک ایرانی به شهر باکو، مرکز جمهوری آذربایجان شوروی است که برای رنجبر فرستاده‌است:

"در باکو تعداد بیسوادان خیلی کم و اکثرا مسن هستند. تعداد دکتر مهندس تکنسین و... زیاد است اما در رشته تخصصی خودکار نمیکنند. برای نمونه ازدو برادر آشنای من یکی مهندس است که بخاطر مزد زیاد سرعملگی میکند، دیگری تکنسین است ولی بعنوان کارگر ساده کار میکند. تنها خواهر آنها که دو مدرک لیسانس در دورشته دارد، در رشته مربوطه‌اش کار میکند. ضمنا در آنجا از ساعت کارخبری نیست. کار در همه رشته‌ها کنتراتی انجام میشود مثلا میگویند این تعداد کار را باید در عرض یکروز تمام کنید در غیر اینصورت از مزد خبری نیست و در صورت تکرار به اردوگاه کار اجباری تبعید میشوند. در آنجا روزانه بطور متوسط ۱۴-۱۰ ساعت کار میکنند و ماهیانه ۱۲۰ روبل میگیرند با توجه باینکه گوچه فرنگی ۸ روبل گوشت ۱۰-۸ روبل و... بوده و از میوه هم خبری نیست."

در باکو کمبود مواد غذایی شدیداً موجود است. مردم برای گرفتن جیره خود مجبورند بعد از کار زیاد، ساعتها در صفهای طولانی بایستند که تازه بعد از آنهم مواد غذایی مقدار کافی دریافت نمیکنند. مردم بدون اجازه حق رفتن به شهرهای دیگر را ندارند و اگر کسی قاچاقی مسافرت کند ۷-۸ ماه به اردوگاه کار اجباری تبعید میشوند. وضع زندگی مردم خوب نیست. برای نمونه خانواده‌های ۴-۵ نفره در ۲۷ متر مربع زندگی میکنند. روی زمین تخت‌است و چند میز و صندلی کهنه متعلق بدولت روی آن قرار

بقیه کارخانه مخابرات شیراز... از صفحه ۳ بود. زمینس یکی. از بزرگترین کارخانجات شیراز بوده و تولید در آن شکل مونتاژ صورت میگیرد. ایمن کارخانه در زمان انقلاب، یکی از مهمترین مراکز مبارزه با رژیم بود و کمکهای مالی زیادی به کارگران صنعت نفت آبادان در زمان اعتصاب و مبارزه شان با رژیم، کرده‌است. پس از انقلاب ۳۰٪ سهام متعلق به رژیم گذشته به صنایع و معادن واگذار شده است. در حال حاضر تعداد کارکنان کارخانه ۱۷۰۰ نفر است که ۹۰۰ نفر از آنان را کارگران زن تشکیل میدهند. کار در این کارخانه در شیفت انجام میشود

به باکو

بخشهایی از یک نامه رسیده

دارد. در باکو روزی یک ساعت آب میاید، از وقتی هم که گاز ایران به روسیه قطع شده بمردم آب گرم نمیدهند و هیچ کس هم حق اعتراض و ستوال را ندارد. در شهر باکو مسجد وجود دارد که بعنوان موزه استفاده میشود که ایرانیان زیاد اجازه رفتن به آنجا را ندارند برگزاری مراسم مذهبی هم وجود ندارد و در مورد این که مکرر گفته در مسکو نماز گزارده شده اکثر این "نمازگزاران" اعضای ک.گ.ب. و افغانهای محصل روسیه بودند که بخاطر شباهتشان به ایرانیان از تلویزیون نشان داده میشود. اهالی باکو عمدتاً مذهبی هستند و از فاحشه خبری نیست اما در شهرهای بزرگ فاحشه و مواد مخدر و... به وفور یافت میشود.

در شهر باکو طرفداران غلام یحیی ۲۰-۳۰ نفر هستند. خود غلام یحیی خیلی بیر شده، بی‌ریا (رئیس فرهنگ پیشه‌وری) هم در باکو مرده‌شویی میکند. کسانی که زیاد شکنجه دیده‌اند و یا افرادی مثل بی‌ریا که می‌خواهند به ایران برگردند، حتی اگر دولت ایران قبول کند روسیه اجازه نمیدهد اعضا و طرفداران حزب توده و غلام یحیی که پناهندگی سیاسی کسب کرده‌اند از نظر رفاهی و زندگی از

۸۵٪ از مواد اولیه این کارخانه از آلمان تاءمین میشود. در رژیم گذشته آلمان قبول کرده بود که لوازم را در ازای پرداخت ۱۰٪ قیمت قبل از تولید و ۹۰٪ بقیه پس از عرضه کالا به بازار تحویل ایران دهد ولی در حال حاضر آلمان تمام پول را قبل از شروع دوره تحریم می‌خواهد وصول کند. از آنجاکه این کارخانه بودجه‌ای ندارد، دولت بان وام داده‌است. و بالاخره مدیرعامل آن برای خرید لوازم به آلمان رفت. اجناس خریداری شده حدود یکماه در راه خواهند بود. طی این مدت قسمتهایی که بدون ابزار مانده‌اند تعطیل شده و کارگران آن بی‌کارند. این تعطیلی از دو ماه

مزیای بیشتری نسبت به کسانی که تقاضای پناهندگی سیاسی نکرده و با حزب فوق‌ارتباطی ندارند، برخوردار هستند. افراد غیر اعضا و طرفداران حزب توده و غلام یحیی بعلت وحشت زیاد از پلیس نمیتوانند حتی با هم حرف بزنند. پلیس هم در مورد مجازات این افراد که بنوعی تحت تعقیب کاگ ب هستند با اعلام یحیی مشورت می‌کند و نظر او رامیبرد. من در زمانیکه در باکو بودم رحیم قاضی معاون قاسملو را دیدم. رحیم قاضی مرتباً در حال رفت و آمد به گردستان عراق و روسیه است. روسها در حدود ۳۰۰ ایرانی را که مقیم آنجا هستند جهت جاسوسی به ایران اعزام کرده‌اند. فرستادن آنها به این ترتیب بوده که چند نفر از اعضا خانواده آنها را کاگ ب تحت نظر خود می‌گیرد و بقیه را برای مدتی به ایران میفرستد. در صورت عدم برگشت به روسیه یا عدم انجام مأموریت خانواده وی را تحت تعقیب و آزار قرار میدهد. اعضای کاگ ب مثل سیا اختیارات و امکانات فراوانی برای کار کردن در اختیار دارند. ایرانیانی که به قصد دیدار خانواده شان به روسیه میروند چندین بار از طرف کاگ ب برای بازجویی برده می‌شوند و آخر سر هم تهدید میشوند که در برگشت به ایران چیزی از روسیه نگویند و گرنه خانواده‌شان را تحت فشار قرار خواهند داد. من هم یکبار در یک مجلس مهمانی گفتم که ما می‌خواهیم ایرانی مستقل داشته باشیم و میل نداریم بجای آمریکا، یک ابرقدرت روسی حاکم شود. بخاطر این حرف با اینکه ۳ ماه اجازه اقامت داشتم و تنها ۴۰ روز آنجا مانده بودم، کاگ ب ۱۰ روز مهلت داد که از روسیه خارج شوم."

پس از عید شروع شده‌است و تاکنون باعث بیگاری عده زیادی از کارگران شده‌است. خرید نیز معلوم نیست تا چه مدت میتواند لوازم مورد نیاز را تاءمین کند. روشن است که پس از اتمام این لوازم، دوباره روزاز نو روزی از نو، محتاج به آلمان هستیم. ما کارگران خواستار آن هستیم که این قراردادها فقط با آلمان بسته نشود. در مرحله اول بررسی و کوشش شود تا آنجا که می‌توانیم خود آنرا بسازیم و تانیا" قرارداد خرید را با کشورهای متفاوت ببندیم. با رزوی موفقیت شما. یک کارگر کارخانه زمینس شیراز

رویدادهای جهان



جبهه پشتیبانی بین المللی

رویدادهای اقتصادی

از مبارزات میهنی خلقهای افغانستان و کامپوچیا

سیاست راهسازی کشور باید روبه مراکز اصلی تولید ملی داشته باشد

شبکه‌های کنونی کشور در رابطه با حاکمیت امپریالیسم و سرمایه‌داری وابسته سازماندهی شده است

تجاوز نظامی ارتش ویتنام بخاک کشور مستقل و غیر متعهد کامپوچیا در دیماه ۱۳۵۷ و پس از آن اشغال نظامی مستقیم افغانستان توسط ارتش روسیه در دیماه ۱۳۵۸، حلقه‌های مرتبگی هستند از استراتژی عمومی سوسیال امپریالیسم شوروی در آسیا. یک تجاوز و اشغال در جنوب شرقی آسیا بمنظور دسترسی به تنگه‌ها لاکا و کنترل راههای دریایی به خاور دور و دیگری در حوزه خلیج فارس با هدف دستیابی به تنگه هرمز و کنترل راههای دریایی به اروپا.

استوار و متحد کلیه نیروهای انقلابی و مترقی جهان علیه سلطه گری ابرقدرتها و در مرکز آن ابرقدرت شوروی میباشد. خلقهای کامپوچیا، افغانستان و ایرتیره بیش از آن چنین مبارزه کبری می‌باشند. جنگ مسلحانه توده‌های پابره‌نه و مستضعف کامپوچیا در جنوب شرقی آسیا، افغانستان در حوزه خلیج فارس و ایرتیره در شاخ آفریقا طلایع بیروزی بر شیطانی بزرگ و ابرقدرتی جهان‌خوار میباشد. این رسالتی است عظیم که تاریخ و عصر کنونی ما بردوش آنها گزارده است و در نتیجه پشتیبانان بین المللی این مبارزه را میطلبند. جهان در ماه گذشته شاهد چنین پشتیبانی محقانه‌ای از مبارزات ملت‌های کامپوچیا و افغانستان بود. اجلاس‌ها، نشست‌ها و کنفرانس‌های متعددی تجاوز کاری روسیه را محکوم کردند و خواهان خروج قوای ویتنام و روسیه از خاک کامپوچیا و افغانستان شدند. جنبش پشتیبانی از خلق ایرتیره در مراحل اولیه خود میباید موج به موج در حال یا گرفتن است. جهان آینده بی شک از آن ملت‌های در بند خواهد بود و نه جهان‌خواران شرق و غرب.

امروزه امپریالیسم نوحاسته شوروی پنجه‌های خود را در اقصی نقاط گیتی گسترده است. هدف نهائی شوروی سلطه بر جهان و آقائی بر خلقها، ملل و کشورهای سراسر دنیا میباشد. سوسیال فاشیسم شوروی منبع اصلی جنگ جهانی سوم است و خطر اصلی را برای حاکمیت ملی، استقلال و تمامیت ارضی کشورها تشکیل میدهد.

برای برهم زدن نقشه استراتژیک شوروی، عقب انداختن جنگ جهانی و درهم شکستن سلطه طلبی روسیه تنها و تنها یک راه موجود است. دفاع از شرف و سربلندی ملت‌ها، کسب استقلال و حاکمیت ملی در گروی مبارزه



* کنفرانس بین المللی ۶۲ کشور

۶ خرداد

به کامپوچیا با شرکت ۶۲ کشور در تاریخ پنجم و ششم خرداد ماه در ژنو تشکیل شد. کنفرانس با تفاق آراء و ویتنام را بخاطر نرساندن کمک‌های دارویی و غذایی سازمان های بین المللی به پناهندگان کامپوچی محکوم کرد و تاکید نمود که حل بحران پناهندگان و قحطی فقط در صورت خروج ارتش ویتنام از کامپوچیا قابل حل است.

* اجلاس ۷ کشور در ونیز

۳ تیر

اجلاس سران ۷ کشور صنعتی ژاپن، کانادا، فرانسه، آمریکا، آلمان غربی، انگلستان و ایتالیا علیرغم اعلام خیر مزورانه عقب نشینی بخشی از نیروهای شوروی از افغانستان در پایان اجلاس خود در ونیز نسبت به مسئله افغانستان موضع مشترکی اتخاذ نمودند و اشغال افغانستان را از جانب نیروهای نظامی شوروی محکوم ساختند و خواستار خروج فوری ارتش شوروی از افغانستان شدند.

* بازار مشترک

۲۵ خرداد

۹ کشور عضو بازار مشترک اروپا در پایان اجلاس ونیز طی انتشار اعلامیه‌ای نگرانی عمیق اروپا را از تشدید تجاوزات نظامی شوروی در افغانستان اعلام نمود و خواستار اتخاذ یک راه حل سیاسی فوری که متضمن خروج نیروهای ارتش شوروی از افغانستان باشد، شد.

* نشست اتحادیه جنوب شرق آسیا

۴ تیر

نشست وزرای خارجه اتحادیه کشورهای جنوب شرقی آسیا (۶ سه آن) روز چهارم تیر ماه در بانگوک پایان یافت. این اتحادیه از پنج کشور مالزی، تایلند، اندونزی، سنگاپور و فیلیپین تشکیل شده است. نشست (۶ سه آن) در پایان کار خود بیانیه مشترکی را صادر نمود که در آن خواهان راه حل مسالمت آمیز بحران در منطقه آسیای جنوب شرقی شده و خروج فوری نیروهای ویتنامی را از کل منطقه خواستار شد. همچنین نشست (۶ سه آن) بر خروج ارتش شوروی از خاک افغانستان تاکید نمود.

* چین و هند

۳۰ خرداد

ایریک گونزالس وزیر خارجه هند در سفر خود به جمهوری خلق چین، با تفاق هان بین آن لانگ معاون وزیر امور خارجه چین خواستار خروج ارتش شوروی از افغانستان شد. وزیر امور خارجه هند تاکید نمود که کشور وی از تنش‌های موجود در منطقه خوبی آگاه است و حاضر

* یوگسلاوی

۴ تیر

پس از پایان دیدار دو روزه گارتسراز یوگسلاوی، رهبران کنونی یوگسلاوی در ادامه راه غیر متعهد مارشال تیتو،

شبهه راههای کشور ما آنچنان سازماندهی شده‌اند، که حداکثر تسهیلات را برای توزیع کالاهای امپریالیستی و صدور ثروت‌های ملی، بخصوص نفت، فراهم آورند. در عین حال شبکه راههای کشور ما، به هیچ وجه رو به مراکز اصلی تولید ملی یعنی روستاها ندارند. زیرا اگر چنین بود، یعنی اگر شبکه راهسازی میتوانست بخش‌های مهمی از روستا های کشور ما را - بعنوان مراکز اصلی تولید ملی - بیکدیگر و به شهرها متصل کند، خود بخود تسهیلات زیادی برای رشد و توسعه اقتصادی و ملی در کشور ما فراهم میکرد و این امر با حاکمیت امپریالیسم و سرمایه داری وابسته تضاد اساسی داشت. در بسیاری از نقاط کشور ما درست به سبب دورافتاده بودن و عدم وجود راهها و شبکه‌های ارتباطی مناسب با وجود استعداد فراوان برای توسعه اقتصادی، هیچگونه سرمایه‌گذاری قبالی توجیهی انجام نمیشود، زیرا یکی از مهمترین مسایل این مراکز، چگونگی رساندن محصول به بازار است، که تنها با راهسازی حل می‌شود. راهسازی یکی از اقدامات زیر بنایی برای شکوفایی اقتصادی کشور است. راهسازی نه تنها بطور بلاواسطه به شاخه‌های اصلی تولید ملی، یعنی کشاورزی، دامداری و صنایع سنگ خدمت میکند، بلکه در

۶۵ هزار روستای کشورمان نیاز به ۳۰۰ هزار کیلومتر راه دارند. در تمام دوران سیاه حکومت محمد رضا شاه تنها ۲۳۰۰ کیلو راه روستایی ساخته شد. در حالیکه در یکسال و نیم عمر حکومت جمهوری اسلامی نزدیک به ۸ هزار کیلومتر راه روستایی ساخته شده است. قرار است سالانه وزارت راه حداقل ۱۰ هزار کیلومتر راه در روستاهای کشور بسازد که با این کار امید می‌رود ظرف ۳۰ سال کلیه روستاهای کشور بوسیله یک شبکه ارتباطی نسبتا منظم بیکدیگر و به مراکز مهم اقتصادی متصل شوند! بیشک ۳۰ سال مدت بسیار زیادی است و اهمیت راههای روستایی در اقتصاد ملی کشور بدان حد است که نمیتوان ۳۰ سال انتظار کشیده تازه این در شرایطی است که وزارت راه موفق شود به قول خود عمل کرده و هر ساله ۱۰ هزار کیلومتر راه بسازد. در عین حال هر ساله باید مقدار زیادی پول و انرژی صرف ترمیم و نگهداری راههای موجود بشود. با توجه به اینکه حل مسائل اقتصادی روستاهای کشورمان در ابعاد گوناگون، بعنوان یک وظیفه حیاتی در راه ادامه انقلاب برای کسب کامل استقلال قرار گرفته است، توجه دولت به راهسازی در روستاها در خور ستایش است. اگر حل مسئله ارضی و تقسیم زمین، حل مسئله آب

* کمیته دائم کنفرانس اسلامی

تیر ۲

کمیته دائم کنفرانس وزرای خارجه کشورهای اسلامی در مورد حل بحران افغانستان در اعلامیه ۱۳ ماده‌ای خود که در زنجو انتشار داد خواستار خروج فوری، کامل و بی قید و شرط قوای شوروی از افغانستان شد. اعلامیه کمیته دائم همچنین رعایت استقلال سیاسی، حاکمیت و رویه غیر متعصب افغانستان و هویت اسلامی این کشور - رعایت حقوق ملت افغانستان جهت تعیین شکل دولت خودشان و اختیار سیستم اقتصادی و سیاسی و اجتماعی فارغ از هر نوع مداخله و یا عمل قهرآمیز خارجی را خواستار شد.



* مجاهدین افغانی در استان فراه به فرمانداری فرارود حمله برده و عده‌ای از عمال رژیم پیکر را کشتند در حمله دیگری به زندان استان فراه مجاهدین قادر شدند عده‌ای از زندانیان را آزاد سازند. در جریان این عملیات رئیس زندان خود را به مجاهدین تسلیم نمود.
* ابرقدرت آمریکا از طریق وزارت دفاع خود اعلام نمود که نخستین زنجیره‌های کشتی‌های حامل تجهیزات نظامی برای پایگاه نظامی

* سازمان بین المللی دانشجویان مسلمان

۱۱ تیر

سازمان بین المللی دانشجویان مسلمان در پایان کنفرانس پنج روزه خود در گوالامپور پایتخت مالزی قطعنامه‌ای در مورد افغانستان صادر نمود. سازمان بین المللی دانشجویان مسلمان طی این قطعنامه ضمن محکوم کردن مداخله نظامی شوروی در افغانستان خواهان خروج ارتش شوروی از این کشور شد.

دیوگارسا از سواحل ایالت کارولینای شمالی بطرف این جزیره حرکت نموده است. محمولات نخستین زنجیره کشتی شامل تانک، توپ و سایر مهمات میباشد.
* پارلمان اسرائیل لایحه تبدیل نمودن بیت المقدس را به عنوان پایتخت رسمی اسرائیل علیرغم اعتراضات افکار عمومی جهان تصویب نمود. شورای امنیت در هفته قبل طی قطعنامه‌ای بر علیه دولت صهیونیستی اسرائیل رای داد و از این

کشورخواست که چنین لایحه‌ای را تصویب ننماید.
* پلیس ضدشورش رژیم نژاد پرست آفریقای جنوبی در شهر ژوهانسبورگ بمنظور درهم شکستن اعتصاب رانندگان اتوبوس به صف رانندگان سیاه پوست حمله ور شد و چندین نفر زامجروح ساخت. اجتماع ۶۰۰ نفری رانندگان و کارکنان اتوبوس برای اعتراض به شرایط و زندگی و کمی حقوق اعتصاب نموده بودند.

کشور را از این خط مشی منحرف سازند... مثلا تلاشهایی جهت دامن زدن به مسئله افغانستان بعمل می‌آید تا راه بروی دشمن عمده یعنی آمریکا باز شود.
برای گسستن حلقه محاصره اقتصادی... ایران باید با دیگر کشورها... از جمله کشورهای سوسیالیستی روابط بازرگانی و اقتصادی را گسترش دهد.
ما یقین داریم که اتحاد شوروی ابداً اندیشه خصمانه‌ای در مورد انقلاب ایران ندارد و نمیخواهد هیچ زبانی بان وارد آید.

این سخنان پایه‌های همان بستر فکریست که از آن نام بردیم و گفتیم یکی از بهترین زمینه‌های فعالیت سوسیالیست‌ها برای پارگیری است.
این سخنان درست در روز هایی بیان میشود که یکی از جاسوسان روسیه که در پوشش دبیر اول سفارت روس در ایران فعالیت می‌کرد، شناسایی و اخراج شد. بهمین جهت جنبه موضع گیری سیاسی دارد تا تحلیل و تفسیر، یعنی علیرغم وجود شواهد ملموس دشمنی روسیه با انقلاب ایران و اندیشه‌های خصمانه وی علیه استقلال شورویان

میشود و از این رو جنبه اشتباهات معرفتی ندارد و انحرافی جدی در صفوف انقلاب اسلامی ماست.
برای تداوم صحیح و حفظ اصالت انقلاب باید با چنین افکاری قاطعانه مبارزه نمود و گرنه دبیر یا زود باید منتظر عواقب وخیم نفوذ چنین نظریاتی در صفوف انقلاب باشیم.

ما همواره هشدار داده‌ایم که انقلابیگری کاذب چون خوره بجان انقلاب افتاده و از درون آنرا تضعیف می‌کند، در این بستر نوکران روسیه بطور فعال انحرافات این جریان را بنفع خود رشد داده و گذشته از تضعیف بیش از پیش انقلاب برای خود پایگاه ایجاد می‌کنند و هر روز که می‌گذرد می‌بینیم انقلابیگران کاذب سراز چه موضعی در می‌آورند.
باید هشیارانه با این افکار مبارزه کرد و انقلاب را از بحران کنونی نجات داد. این وظیفه همه صادقانه مصالح میهن و ملت را در نظر دارند و برای تحقق آرمانهای تاریخی مردم ما مبارزه می‌کنند.
در خاتمه برای آشنایی بیشتر باتبلورات انقلابیگری کاذب و نحوه عملکرد آن در مبارزات جاری، به سخنان آقای پیمان که چندی قبل در

بقیه انقلابیگری... از صفحات اول

تکمیل جناح‌های جبهه مورد نظراست. زیرا انقلابیگری کاذب و مسلمان‌نماها تنها آمریکا را دشمن می‌دانند و نه تنها علیه روسیه جبهه نمی‌گشایند بلکه در مبارزه ضد امپریالیستی، امپریالیسم روسیه را دوست ملت ایران شمرده و معتقد هستند که باید از آن کمک گرفت. زیرا مسلمان‌نماها مبارزات مردم دلاور افغانستان را علیه تجاوز سوسیال امپریالیسم "ناوارد" می‌دانند و معتقدند تنها آمریکا دشمن است و هر جریانی بخواد از این نهضت دفاع کند به او مارک "آمریکایی" می‌زنند. زیرا مسلمان‌نماها شعار نه شرقی نه غربی را آمریکایی میدانند، زیرا... این افکار و نظریات نعل به نعل مطابق با تبلیغات و منافس سوسیال امپریالیست‌هاست. هم از اینروست که معتقدیم چنین جریانی بهترین زمینه پارگیری برای روسیه در جهت تشکیل و تکمیل جبهه متحد انقیاد طلبی روسی است.
به گفته‌های حبیب الله پیمان توجه کنید:
ما باید سلاح‌های خود را متوجه آمریکا سازیم... ولی در ایران نیروهایی هستند که میخواهند

برای دگرگونی در اقتصاد روستایی کشور مهم است، راهسازی نیز اهمیت کمتری از این مسائل ندارد و وجود شبکه‌های ارتباطی مناسب، یکی از شرایط لازم برای جان گرفتن اقتصاد روستایی کشور است.

اهمیت راه در اقتصاد ملی کشور

راهها، شبکه‌های ارتباط اقتصادی بین مراکز مختلف تولید و مصرف هستند، راهها در خدمت توزیع کالاهای گوناگون می‌باشند. چگونگی سازماندهی راهها در یک کشور، دقیقاً مرتبط است با چگونگی حاکمیت قدرت سیاسی در آن کشور. در یک کشور تحت سلطه امپریالیسم، مانند ایران در زمان شاه، بعلت اینکه اساس سیاستهای رژیم حاکم را، تحکیم و توسعه وابستگی و تضعیف و تخریب نهادهای اقتصاد ملی تشکیل میداد، بیشک راه و راهسازی نیز باید به پیروی از خصلت رژیم و به تبعیت از سیاستهای وابستگی ساز آن، در خدمت تحکیم و توسعه حاکمیت امپریالیسم و سرمایه داری وابسته باشد.

شبکه راههای کشور ما مانند بسیاری از کشورهای تحت سلطه، اساساً بنادر و نقاط مرزی را به شهر های بزرگ و بخصوص به پایتخت متصل میکند. زیرا راه در یک کشور تحت سلطه باید در خدمت رساندن مواد خام و نروتهای طبیعی به بنادر و مرزها برای صدور به خارج و درعین حال باید در خدمت توزیع سیل کالاهای وارداتی از بنادر و مرزها به مراکز مهم مصرف، یعنی شهرهای بزرگ باشد. در ایران نیز دقیقاً راههای کشور چنین وضعی دارند.

و توسعه ساخه‌های دیگری از اقتصاد ملی مانند حمل و نقل ورشته‌های خدماتی مختلف میشود. توسعه راهسازی، خود به تنهایی قادر است بخش عظیمی از نیروی کار کشور را به خدمت بگیرد و اساساً خودش یک رشته مهم از اقتصاد ملی است. آنچه در سیاست راهسازی دولت بعنوان نقص عمده جلوه میکند عدم توجه به نیروی مستقیم و ابتکار و خلاقیت توده‌هاست. آنطور که وزارت راه تاکنون برنامه ریزی کرده، تمام فعالیت‌های راهسازی در قبضه بوروکرات‌های این وزارتخانه است. در حالیکه دولت میتواند خود با اعطای تسهیلات مالی و فنی توده‌های مردم را به فعالیت بکشد و از نیروی لایزال آنها در این امر استفاده کند.

در عین حال تجربه یکسال و نیم گذشته در امر راهسازی نشان داده که اولویتها بخوبی در نظر گرفته نشده است. یعنی اقدامات راهسازی و توزیع خدمات راهسازی در نقاط مختلف کشور همیشه با در نظر گرفتن ضرورتها همراه نبوده و بسیاری از مناطق که میبایست قبل از همه راهسازی در آنها انجام میشد، هنوز در نوبتند و در عوض بسیاری از مناطق که اهمیت چندانی نداشته‌اند صاحب راه شده‌اند.

بسط و توسعه شبکه راه‌آهن سراسری کشور نیز باید مورد توجه فوق‌العاده زیاد دولت قرار بگیرد. راه‌آهن ما دقیقاً در خدمت نیازهای امپریالیسم و سرمایه‌داری وابسته ساخته شده است و بهیچ وجه رو به مراکز اصلی تولید ملی ندارد. گسترش شبکه راه‌آهن بخوبی قادر است بسیاری از نیازهای ما را در زمینه توسعه شبکه ارتباطی و حمل و نقل پاسخگو باشد.

ما را در رفع مشکلات مالی یاری کنید

کمیته‌های خود را بانک ملی ایران به حساب بانکی زیرواریز نمایید: تهران - شعبه خیابان ایرانشهر شماره حساب ۴۵۳۶۸

ونجبر

نشانی: خیابان انقلاب جنب سینما رومال خیابان رامسر کوچه آرامه شماره ۱۷
نشانی پستی: تهران - صندوق پستی ۴۱۴-۱۴۰۱ منطقه پستی ۱۵
تلفن ۸۲۰۶۹۱ چاپ زندگی
صاحب امتیاز و سردبیر: فرامرز وزیري
مناظر مسئول: علی حجت

گزارش از مبارزات دانشجویان ایرانی در آمریکا

گزارش زیر که از خبرنگار رنجبر در آمریکا رسیده چگونگی درگیری دانشجویان مبارز عضو کنفدراسیون دانشجویان ایرانی (سیس) با پلیس آمریکا و عناصر طرفدار شاه - بختیار را روشن میسازد.

روز دوشنبه ۹ تیر ماه ساعت ۲ بعد از ظهر بوقت آمریکا - عناصر طرفدار شاه - بختیار یک تظاهرات علیه جمهوری اسلامی ایران در جلوسا ختمان فدرال لوس آنجلس برپا کردند.

کنفدراسیون دانشجویان ایرانی (سیس) که قبلاً از قرار برپائی تظاهرات آن آگاه شده بود، دانشجویان و دانش آموزان و سایر ایرانیان مبارز مقیم آمریکا را بسیج نموده و در همان محل در ساعت مقرر تظاهراتی با شکوه برپا ساخت.

عناصر طرفدار شاه - بختیار که توسط یک صف هفت نفری پلیس فدشورشی آمریکا محافظت میشدند، با فحاشی و توهین به مقدسات و رهبران انقلاب اسلامی ایران بدفاع از شاه و بختیار پرداختند. رهبری این عناصر بعهده گروهی به نام گاما (gamma) یا "جنیش برای استقلال ایران" بود. در ضمن سازمان صهیونیستی "اتحادیه

دفاع یهودیان" بخاطر اصطلاح اعتراضی به اعدام یهودیان در ایران و در واقع بدلیل سطح مشترک منافع صهیونیستی و عوامل شاه، بختیار از این تظاهرات پشتیبانی کرده بود.

دانشجویان، دانش آموزان و ایرانیان مبارز مقیم آمریکا با شعارهای انقلابی بدفاع پرشورا از انقلاب اسلامی و رهبری انقلاب پرداختند و بالاخره در اثر خشمزیا دا ز حدبای شکستن صف پلیس فدشورشی آمریکا به عناصر طرفدار شاه - بختیار حمله نمودند. دانشجویان مبارز با خشم انقلابی پرچمها، پلاکارد ها و شعارهای پارچهای عناصر طرفدار شاه - بختیار را پاره نمودند.

پلیس آمریکا که به دفاع از عناصر بختیار - شاه برخاسته بود، به دانشجویان حمله نموده و با وحشیگری تمام به کتک زدن آنان اقدام نمود. و بالاخره سه نفر از آنان را دستگیر کرد.

دانشجویان، دانش آموزان مبارز آنگاه دوباره جمع شده و با صف منظم به مبارزه خود ادامه دادند تا دانشجویان دستگیر شده را آزاد ساختند.



مامورین اف - بی - آی وحشیانه به یک دانشجوی مبارز ایرانی حمله ور شده اند.

نامه یک فرهنگی: عزیز نصیری را آزاد کنید تا به عنوان یک معلم به کردستان خدمت کند

سردبیر محترم نشریه رنجبر در کیهان روز شنبه خواندم اداره آموزش و پرورش کردستان طی اطلاعیه‌ای از معلمان خواسته است آمادگی خود را برای اعزام به کردستان و بازسازی آموزش و پرورش آن سامان اعلام کنند و برای این منظور افتتاح دفتری را نیز اعلام نموده است. بیاد یکی از فرهنگیان صدیق و خدمتگذار به فرهنگ کردستان افتادم که اکنون مدتی است بدون هیچگونه مجوزی در زندان بسر میبرد. عزیز نصیری معلم با سابقه و فداکار، در شش سال معلمی سالها از عمر خود را صرف خدمت به توده‌های محروم خلق کرد نموده است. اکنون که اداره آموزش و پرورش کردستان از بی معلمی شکایت دارد خواستم از طریق شما به مسئولین تذکر دهم تا با آزاد ساختن عزیز نصیری از زندان هم بی عدالتی که در حق ایشان روا شده است جبران کنند و هم شرایط را برای ادامه خدمت یک فرهنگی صادق و معتقد به انقلاب اسلامی فراهم آورند. تا سقف بسار است که آب در کوزه و ما تشنه لبان میگردیم.

علاوه بر این هفته گذشته اعلام شد که تقریباً کلیه ویا بخش اعظمی از فرهنگیان کردستان بدون هیچگونه تمایزگزاری، با اصطلاح "پاکسازی" شده‌اند. در شرایطی که بدون هیچگونه ضابطه‌ای اینچنین با سرنوشت فرهنگیان کردستان بازی میکنند. معلمان زحمتکش با چه اطمینانی به درخواست اداره آموزش و پرورش جواب مثبت بدهند؟

با احترام - یک فرهنگی

حزب توده با تحمل هزینه سنگین اخبار را سانسور میکند

برای سانسور اخبار رومی اطلاع نگاه داشتن مردم از اتفاقات مهم و در نهایت فریب دادن و بکراه کشاندن آنان، شیوه‌های مختلفی بکار می رود. یکی از این شیوه‌ها که بخصوص توسط نوکران وطنی سوسیال امپریالیسم روس رایج است، خریدن یکجای روزنامه‌های استقلال طلب و در نتیجه محروم ساختن توده‌های مردم از دسترسی باین روزنامه‌هاست. البته این نوع سانسور هزینه و خرج زیادی دارد. اما برای باندهای توری در حزب توده که از پشتوانه مالی نیرومندی برخوردار است و حتی خود اعتراف کرده که از روسیه پول میگیرد تا اتخاذ چنین روشی زیاد دشوار نیست.

نمونه‌هایی از این نوع میتکرانه سانسور اخبار حاشیه نویس روزنامه جمهوری اسلامی دیروز در ستون مربوطه افشاء کرده است. حاشیه نویس تحت عنوان "تلاش مذبحان رفقا" یا "فاش" حزب توده پرداخته و می نویسد:

"واقعا خیلی بدبختی است که آدم سرسپرده ابرقدرتها باشد چون بعضی وقت ها کار دستش می دهد. مثلاً دیروز که تیشتر اول روزنامه جمهوری اسلامی این بود که دبیر اول سفارت شوروی اخراج شد، رفقا تمام سطح کشور بسیج شده بودند که روزنامه را قبل از اینکه مردم بخردند، آنها بطور کامل خریداری کنند تا دیگر روزنامه‌های باقی نماند که مردم بخردند!

"واقعا بدبختی بالاتر از این میشود که یکمده تا اینحد بیچاره باشند که از افشای جاسوسی یک خارجی نگران شوند؟"

حاشیه نویس در ادامه مطلب یکی دیگر از نمونه‌های سانسور و خرابکاری حزب توده را بر ملا می سازد و می افزاید:

"حاشیه نویس بی اختیار یادشعارهایی میافتد که دارد دسته رقیب اینس رفقا بدیوار خیابانها می نویسند.

وقتی دسته رقیب می نویسند: "نه آمریکا، نه روسیه ایران مال ایرانیه" رفقا

چرا و چگونه کیانوری جای دوست و دشمن را نشان می دهد

اشاره میکند که به توصیه "چندین تن از شخصیت‌های برجسته" چاپ میشود! مسئله روشن است، و حاکمین نیروهای سیاسی بخاطر اشتباهات و انحرافات جدی خود ادامه انقلاب را بادشواری روبرو ساخته‌اند اختلافات آنان در توده محروم ناامیدی ایجاد کرده است. در عین حال گرایشهای مدارا جویانه و نقیاد طلبانه نسبت به امپریالیسم روسیه در بین حاکمین موجود است. پایافشاری بر انحصار طلبی و انحرافات فکری دیگر موقعیت بخشهایی از حاکمین بدتر میشود. در این اوضاع نوکران روسیه

با بهره گیری از مشکلات کنونی، نوکران روسیه در باغ سبز نشان می دهند و می خواهند بخشهایی از حاکمین و نیروهای سیاسی را به سمت روسیه بکشانند

ایران برهبری امام خمینی مانده بود، ... دبیرکل حزب کمونیست و صدر هیئت رئیسه شورای عالی یعنی همان جبهه روسی که احزاب و دولت‌های دست نشانده و وابسته به آن، در دست دهلتهاست.

جریان عظیم وسد ناپذیر مبارزات استقلال خواهانه مردم جهان بویژه مردم محروم جهان سوم علیه توسعه طلبی، جهان خواری، ستم و استعمار دوا بر قدرت امپریالیستی آمریکا و روسیه همانند انقلاب اسلامی ایران هر روز اوج می گیرد و تلاش مذبحخانه دوا بر قدرت برای به زیر یوغ خود کشیدن ملل گیتی را عظیم می گذارد. اما دوا بر قدرت و نوکران آنها بنا بر ماهیت خود دست از توطئه علیه انقلاب و تلاش برای سلطه بر جهان برنمی دارند. بخصوص ابر قدرت نوحاسته، تجاوزگر و در حال

با سوار شدن بر جنبش ضد امپریالیسم آمریکا، این جنبش ها را به زیر یوغ خود بکشند.

در مبین ما در درجه اول دار و دسته شناخته شده کیانوری در حزب توده انجام این وظیفه را بعهده دارد و یک نمونه از انجام این وظیفه را در مقاله ای در "دنیا" و در روستامه "مردم" پنجشنبه ۱۲ تیر تحت عنوان "دوستان و دشمنان انقلاب ایران" به قلم سردسته باند مزدور به نمایش گذاشته است.

در این مقاله کیانوری مانند دزدی که بازار را آشفته دیده، با توسل به مشکلاتی که انقلاب در ادامه خود با آن روبرو شده است، سعی کرده یک باصطلاح "تحلیل طبقاتی" روی رویونیستی از دیدگاه سوسیال امپریالیستی وضد ملی با تداعی معانی کردن برخی شواهد به خواننده ناآشنا نسبت به سوسیالیسم انقلابی ارائه داده و ترانزاشعاً بگرا...

سوسیال امپریالیستی را در صفوف خلق نسبت به سوسیالیسم انقلابی بنام تحلیل "مبارزه طبقاتی" جا بزند. اما همه این باصطلاح "تحلیل طبقاتی" یک مقدمه چینی شایدانه برای نتیجه گیری مورد نظر آخر مقاله است و بهمین لحاظ ما در اینجا به افشای این هدف پلید میپردازیم.

نویسنده مزدور پس از آنکه از یکسو ادامه انقلاب ایران را بر سر دوراهی "مورد نظر خود تصویر نموده و از سوی دیگر جهان را تنها به دعوا و کشمکش شوروی و آمریکا خلاصه کرده و با "انقلابی" خواندن شوروی و همه وابستگانش بقیه را زیر

چتر آمریکا قلمداد کرده، برای به اصطلاح "نجات" انقلاب ایران از آن دوراهی ساخته و پرداخته خود، قرار گرفتن در جبهه روسیه را پیشنهاد میکند.

نویسنده مزدور از یکسو اتکاء به توده های میلیونی خلق و زحمت کشان را تا چیز جلوه میدهد و از سوی دیگر وجود جریان عظیم استقلال طلبی بویژه در جهان سوم مستقل از هر دو ابرقدرت جهانخوار را پرده پوشی و نفی میکند و با آنرا وابسته به آمریکا میخواند و مدعی میشود که نیرومندی انقلاب ایران در پشتیبانی جهانی است. کدام پشتیبانی جهانی؟ پاسخ میدهد: "از یکسو خانواده کشورهای سوسیالیستی که اتحاد شوروی در مرکز آن قرار گرفته و نیز کلیه احزاب کمونیستی و... و در سوی دیگر هم جنبش های اصیل ضد امپریالیستی و دولت های آزاد شده و مترقی وضد امپریالیست، مانند جبهه پایداری خلق عرب...".

لیستی شان بزیتر جتر حمایت روسیه خریدارند. و بالاخره نویسنده مزدور تاکید می کند:

"این انقلاب به پیروزی قطعی خواهد رسید، اگر بتواند جای خود را در جبهه عمومی نبرد ضد امپریالیستی جهان (یعنی همان جبهه روسی) به درستی بگیرد، سهم خود را در این نبرد جهانی بدرستی بپردازد، از پشتیبانی دوستان راستین برای تحکیم مواضع خود به بهترین شکل بهره گیری کند و در حدود امکان، خود به سایر جبهه های نبرد کمک برساند".

می بینیم که نویسنده مزدور با از پیشنهاد در جبهه روسیه قرار گرفتن فراتر می گذارد و به زبان دلالتان امپریالیسم می فهماند که قرار گرفتن در این جبهه خرج دارد و باید سهم خود را بپردازیم. یعنی خلاصه آنکه در معاملات مثل گاز و قراردادهای دیگر بخاطر پیشبرد مبارزه ضد امپریالیستی چانه زنید، به مبارزات استقلال طلبانه علیه روسیه کمک نرسانید که هیچ حتی علیه آنها موضع بگیرید و سرکوب آنها را تأیید کنید، از روسیه و وابستگان به روسیه در هر کجای دنیا حمایت کنید و... و بالاخره نویسنده مزدور تهدید میکند:

"هر راه دیگر انقلاب ما را به سوی پرتگاه خواهد برد."

نوکران روسیه از ابتدای اوجگیری جنبش انقلابی ایران سعی میکردند که خصلت اساسی آن یعنی تکیه به نیروی خود و خط "نه شرقی نه غربی" رانفی کنند. در حالیکه انقلاب اسلامی بوضوح با اتکا به نیروی میلیونی توده های خلق و بدون هیچ کمک خارجی و با موضع قاطع علیه امپریالیسم و بویژه هر دو ابرقدرت شوروی و آمریکا، مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا و علیه رژیم وابسته به آن راه پیش برد، نوکران روسیه از همان ابتدا میخواستند اینطور وانمود کنند که بدون کمک شوروی جنبش به پیروزی نخواهد رسید. بهمین خاطر نوکران روسیه که علیرغم تمام زستهای ضد آمریکایی خود در خارج از صف متحد نیروهای انقلاب و در مقابل آن قرار داشتند.

پس از پیروزی انقلاب نوکران روسیه بیش مانده سعی کرده اند پیروزی را بحساب باصطلاح حمایت کرم لین بگذارند و امروز تلاش دارند ادامه انقلاب و شرط موفقیت آن را در گرو وابسته شدن به روسیه تبلیغ کنند. وقاحت مزدوران روسیه نچندان است که در همان روستامه پنجشنبه ۱۲ تیر در مقاله دیگری مینویسد: "هنوز سه ماهه پیروزی انقلاب شکوهمند

نشان دادن" عناصری را برای حفظ موقعیت و... و قدرت خود پسوی خود جلب کنند و جبهه روسی انقیاد طلبی خود را تکمیل نمایند.

در چنین شرایطی مردم قهرمان و استقلال طلب ما، نیروها و شخصیت های مذهبی، ملی و انقلابی ما باید هوشیار باشند و با این توطئه مقابله نمایند.

در مقابل با این توطئه ها باید به نیروی عظیم مردم اتکا کرده و وحدت میان خود را حفظ نمود و آنرا بیست اتحاد بزرگ ملی سوق داد. جریان عظیم استقلال طلبانه با شعار نه آمریکا نه روسیه در جهان سوم و در کشورهای اسلامی منطقه موجود است و این جریان پشتیبانان اصلی انقلاب ما هستند.

حاکمین و نیروهای سیاسی باید با انقیاد طلبی و مدارجویی نسبت به روسیه سخت مقابله نمایند و باید انحرافات انحصار طلبی و قدرت طلبی را در صفوف خود انتقاد و طرد کنند و بمصالح کل انقلاب بیندیشند. تنها در چنین صورتی نوکران روسیه پاسخ دندان شکنی دریافت خواهند کرد.

خلاصه کنیم: باند مزدور کیانوری از هر فرصتی برای انجام نوکری نسبت به ارباب خود بهره میکبرد.

نوکران روسیه وجود جریان عظیم استقلال طلبانه نه آمریکا نه روسیه رانفی و پرده پوشی میکنند و با آنرا آمریکایی میخوانند. آنها همواره تلاش کرده اند که خصلت اتکا به نیروی خود و خط نه شرقی نه غربی انقلاب ایران را نفی کنند.

با بهره برداری از مشکلات کنونی، "درباغ سبز" نشان میدهد که تنه راه نجات رفتن به سمت روسیه است.

نوکران روسیه بازبان تهدید و تطمیع به حاکمین (بخشهای از آن) میگویند:

راه نجات از مشکلات خرج دارد! اما چرا در شرایط فعلی روس نامه "مردم" چنین مقاله ای را به چاپ میرساند، بخصوص در مقدمه مقاله

این نموده اخیرم نشان میدهد مردوزن روسیه یک سار... انقلاب یعنی شعار نه شرقی نه غربی هراس دارند و چه زجر می کشند وقتی کسی توده مردم یک صداعلیه اربابان رهبری حزب توده و رقیب جنایتکار دیگرش یعنی آمریکاشمار می دهند و اصالت انقلاب اسلامی را با افتخار بر رخ نوکران بیگانه می کشند.

اما جای تعجب است که چرا حاشیه نویس شعار "نه آمریکا نه روسیه ایران مال ایرانیه" را مربوط به دستنه رقیب حزب توده دانسته است. جای تعجب دارد زیرا این شعار که اول بار توسط حزب ما مطرح گردید به هیچ دسته ای مربوط نمیشود. این شعار، شعار توده های مردم است که آنرا بنا بر تجربه طولانی مبارزات استقلال طلبانه خود و بخاطر بیان آرمانهای تاریخی مبین دوستانه خود طرح کرده اند و بهمین جهت آنرا وسیعاً و با علاقه بدیوارهای شهر می نویسند، در راهیمائی ها دم می دهند و در مبارزه از آن پیروی می کنند. بعبارت دیگر این دسته رقیب که از او نام رفته همان جمیع ملت ایران و نیروهای استقلال طلب کشور است. بهر حال همانطور که حاشیه نویس نوشته نوکران سوسیال امپریالیسم روسیه با این تشبیهات راه بجائی نخواهند برد و این سانسورها و خرابکاریها در ارده مردم ایران برای درهم کوبیدن ابرقدرت های شرق و غرب و بنیان نهادن ایرانی مستقل و منکی بخود تا تیری نخواهد گذاشت. پس زنده باد شعار "نه آمریکا نه روسیه ایران مال ایرانیه" شعار اساسی توده های مردم در مبارزه علیه امپریالیسم و برای استقلال و تمامیت ارضی کشور.

نکته

محکم کاری

مطابق خبر روزنامه ها، ببرک کارمل در یک اقامتگاهی که اکثر کارکنان آن روسی هستند دست به خودکشی زد. ولیکن آشیز روسی کارمل مانع گشته شدن او شد. ظریفی گفت: آقای کیانوری

لااقل باید به فکر یک آشیز مطمئن باشد تا در صورت لزوم لااقل به خودکشی قادر باشد. کار از محکم کاری عیب نمیکند!



"جذب توده در پاکسازی دیوارهای شهر تهران فعالانه شرکت کرد!" روستامه مردم